

اشاره:

گزارشاتی که در چند قسمت خواهید خواند، حاصل یادداشت‌های هیئت شرکت‌کننده ایرانی در کنفرانس برای همبستگی بین‌المللی و آزادی زندانیان سیاسی سراسر دنیا می‌باشد. در این بخش، ابتدا فراخوان برای دعوت این کنفرانس درج شده است که توسط آدامر از فلسطین، کمیته هماهنگی برای آزادی مومیا ابوجمال از ایتالیا، جنبش مبارزه برای عفو زندانیان و فراریان سیاسی از باسک و لیبرتاد از آلمان امضا شده است. سپس گزارشی کوتاه از مجموع کنفرانس ارائه شده و در قسمت آخر گزارش کمیسیون شماره ۶ کنفرانس براساس یادداشت‌برداری شرکت‌کنندگان ایرانی در این کمیسیون را خواهید خواند. علی‌رغم تلاش ما برای جلوگیری از نامفهوم‌شدن بعضی از اظهارنظرها، به دلیل شفاهی بودن مذاکرات، همچنان امکان لغزش در متن گزارش وجود دارد و از این بابت پیشاپیش پوزش می‌طلبیم.

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

دعوت به کنفرانس بین‌المللی

- آشتی یا رهایی؟

- همبستگی بین‌المللی و آزادی زندانیان سیاسی سراسر دنیا

رفقای عزیز،

ما از شما دعوت می‌کنیم در کنفرانس بین‌المللی برای آزادی زندانیان سیاسی سراسر جهان شرکت کنید. این کنفرانس در عید پاک سال ۱۹۹۹ در برلین برگزار می‌شود. برگزارکننده این کنفرانس یک کمیته بین‌المللی متشکل از کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در اسرائیل (ADDAMEER)، سازمان زندانیان باسک (GESTORAS PRO AMNISTIA)، کمیته هماهنگی گروه‌های همبستگی با مومی ابو جمال (MUMIA ABU-JAMAL) در ایتالیا، لیبرتاد و دیگر گروه‌های آلمانی می‌باشند.

این کنفرانس، یک کنفرانس کار است. ما از کمیته‌های همبستگی، سازمان‌های خانواده‌های زندانیان سیاسی، جنبش‌های آزادیخواه، سازمان‌های حقوق بشر، انجمن‌های وکلا و همه کسانی که برای آزادی زندانیان سیاسی، نجات جان مفقودشدگان و محاکمه شکنجه‌گران و جانیان در سراسر جهان مبارزه و تلاش می‌کنند، دعوت می‌کنیم در این کنفرانس شرکت نمایند. هدف این است که به طور مشترک پیشنهادات مشخص و امکانات همکاری را به بحث بگذاریم و بر این پایه زمینه‌ی یک فعالیت مستمر و متشکل و هم‌بسته بین‌المللی را ایجاد کنیم. سه موضوع اصلی در دستور کار این کنفرانس قرار دارد.

در بخش اول پیرامون وضعیت زندانیان سیاسی و همبستگی بین‌المللی بحث می‌شود. شرایط سیاسی در کشورهای مختلف به طور عام و در رابطه با زندانیان سیاسی معرفی و تحلیل می‌گردد. ما می‌خواهیم در این باره صحبت کنیم که چگونه می‌توانیم مبارزه‌مان برای آزادی زندانیان سیاسی را در عرصه بین‌المللی به هم پیوند دهیم.

در قسمت دوم، بحث تحت عنوان "آشتی یا رهایی" تلاش خواهیم کرد تجربیات متعدد و متفاوت با روندهای به اصطلاح صلح، گذراهای دموکراتیک، مذاکرات و شکست‌های پانزده سال گذشته را بررسی کنیم. آیا زندانیان سیاسی آزاد شده‌اند و واقعاً آزادند؟ آیا حقوق بشر رعایت می‌شود؟ آیا شکنجه‌گران و جانیان محاکمه و مجازات شده‌اند؟

در قسمت سوم، پیرامون چشم‌انداز همبستگی بین‌المللی متشکل بحث می‌گردد. ما می‌خواهیم برپایه تجربیات مشخص درباره محدودیت‌های مبارزه در عرصه بین‌المللی و چگونگی غلبه بر آن‌ها از طریق همکاری بین‌المللی تبادل نظر کنیم. چگونه می‌توان همبستگی بین‌المللی را سازمان داد؟ پیشنهادات در این رابطه کدامند؟

برای تدارک کنفرانس یک بولتن منتشر خواهیم کرد، از این رو از شما می‌خواهیم که اطلاعات خود را درباره شرایط کشورتان به طور کتبی در اختیار ما قرار دهید. این نوشته باید حاوی اطلاعات اساسی درباره زندانیان سیاسی، مفقودشدگان و نیز مبارزات جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی باشد. این

بولتن قبل از برگزاری کنفرانس در اختیار همه شرکت‌کنندگان قرار خواهد گرفت.
این کنفرانس از تاریخ ۹۹/۴/۱ تا ۹۹/۴/۵ در برلین برگزار می‌شود. شرط شرکت در کنفرانس ثبت نام قبلی است. لطفاً هر چه زودتر تعداد شرکت‌کنندگان و زبانی را که بر آن تسلط دارند، به اطلاع ما برسانید. آیا کمک مالی برای مسافرت و محل اقامت آنان ضروری است؟
فراخوان کمیته بین‌المللی به ضمیمه برایتان ارسال می‌شود. چنانچه تمایل دارید از این فراخوان حمایت کنید، ما را مطلع سازید.

در آینده نزدیک، برنامه کامل کنفرانس و اطلاعات دقیق‌تر برایتان ارسال خواهد شد. لطفاً سؤالات و تقاضای ثبت نام برای شرکت در کنفرانس را به دفتر کنفرانس به آدرس زیر ارسال کنید:

- Konferenzbüro -

Yorckstraße 59 HH

D- 10965 Berlin

BRD

امیدواریم هر چه زودتر پاسخ شما را دریافت کنیم.

با درود فراوان

ADAMEER (Palästina)

Coordinamente Mumia Abu Jamal (Italien)

Gestoras Pro Amnistia (Baskenland)

Libertad/ Organisationskomitee (Deutschland)

آدامیر (فلسطین)

کمیته هماهنگی برای آزادی مومیا ابوجمال (ایتالیا)

جنبش مبارزه برای عفو زندانیان و فراریان سیاسی (باسک)

لیبرتاد - کمیته برگزاری کنفرانس (آلمان)

Konferenzbüro, Yorckstr. 59, D-10965 Berlin.

eMail: Konferenz@libertad.de/ conference@libertad.de

Tel: 0049-(0)30-78899901. Fax: 0049-(0)30-78899902

WWW.libertad.de

آشتی یا رهایی؟

از: سیاوش محمودی

گزارش اولیه

در تاریخ ۱ تا ۵ آپریل ۱۹۹۹ در شهر برلین کنفرانسی به نام (آشتی یا رهایی؟) از طرف کمیته آزادی که متشکل از افراد مختلف، از کشورهای گوناگون می‌باشد، برگزار شد که در آن عده زیادی از زندانیان سیاسی سابق از کشورهای مختلف و نیز کمیته‌ها و انجمن‌های بسیاری که در کشورهای خویش و یا در تبعید در چارچوب مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فعالیت دارند شرکت داشته‌اند. حاضرین در این کنفرانس که از قاره‌های مختلف آمده بودند به بحث و بررسی شرایط زندان‌ها و کلیه فعالیت‌هایی که به زندانیان سیاسی مربوط می‌شود، پرداختند.

در این کنفرانس، نمایندگانی از کشورهای پورتو ریکو، شیلی، مکزیک، پرو، کردستان، ترکیه، فلسطین، ایران، الجزایر، نیجریه، افریقای جنوبی، آرژانتین، ایرلند، باسک، اسپانیا، آلمان، فرانسه، دانمارک، سوئد و غیره شرکت داشتند، که طی بحث‌ها و تبادل اطلاعات سعی کردند تا ارزیابی دقیقی از اوضاع سیاسی کشورشان و نیز شرایط داخلی زندان‌ها و نیز نقش دستگاه سرکوبگر در این کشورها ارائه داده و جایگاه پلیس سیاسی در سرکوب نیروهای انقلابی و آزادی‌خواه را مورد بررسی قرار داده و تحلیل مشخصی از شرایط زندان‌ها ارائه دهند.

کنفرانس با پیام به کلیه زندانیان سیاسی در سراسر جهان و نیز شرکت‌کنندگان در این کنفرانس آغاز به کار کرد. پس از قرائت پیام، برنامه موسیقی انقلابی توسط یکی از رفقای ایرانی ارائه شد. سپس تمامی شرکت‌کنندگان در گروه‌های کاری که حول موضوعات مشخص سازمان داده شده بود تقسیم شده و از صبح دوم آپریل آغاز به کار کرد. روحیه همکاری مشترک و نیز فضای دوستانه و رفیقانه‌ای که در بین شرکت‌کنندگان کنفرانس حاکم بود و نیز روحیه انقلابی و پرشوری که بر فضای کنفرانس موج می‌زد، بیانگر ضرورت کار جدی در این عرصه از کارزار سیاسی بود. استقبال از بحث‌ها و شرکت فعال در آن‌ها و پیگیری شرکت‌کنندگان در تمام مدت برگزاری کنفرانس، ضروری بودن ارتباط تنگاتنگ و نیز هماهنگی انترناسیونالیستی و نیز پیوند انترناسیونالیستی زندانیان سیاسی و کلیه کسانی که به انحاء مختلف در این عرصه کارزار سیاسی مبارزه می‌کنند را به نمایش گذاشته بود.

شباهت شرایط زندانیان سیاسی در بسیاری از کشورها از طرفی، بیانگر این واقعیت بود که بورژوازی و ارتجاع حاکم بر کلیه کشورهای بورژوازی چگونه از تجارب یکدیگر، به‌طور دقیق بهره‌جسته و این تجارب را به یکدیگر انتقال می‌دهند و از طرف دیگر ویژگی‌های فشار و شکنجه و شیوه‌های خاص مبارزه علیه مخالفین سیاسی و به ویژه سرکوب در زندان‌ها در کشورهای مختلف بیانگر خصوصیات فرهنگی، سیاسی و حتی مذهبی این کشورها را به عینه به نمایش می‌گذاشت. این که به‌طور مثال چگونه بر کشورهایی که ناسیونالیسم و شوونیسم حاکم است، حکومت از روحیات و فرهنگ ناسیونالیستی بر علیه زندانیان سیاسی بهره‌برداری می‌کند و یا این که مذهب در ایران چگونه نقش ویژه خود را داشته است، سرکوب مذهبی-ایدئولوژیک به شکل عربان، عاملی است که وحشیانه‌ترین شیوه‌های جنایت علیه مبارزین انقلابی مجاز می‌شمارد و سعی در "مشروع" جلوه دادن آن می‌کند.

نکته قابل توجه و برجسته‌ای که از بیان تجارب زندانیان از کشورهای مختلف دریافت می‌شد این است سرکوب جنسی و سوءاستفاده از جنسیت انسان‌ها به‌ویژه در ارتباط با زنان مبارز و زندانی در ترکیبی با روحیات و فرهنگ زن‌ستیزی و مردسالاری، مذهبی و غیره چگونه شرایط صدچندان وحشیانه‌ای را برای رفقای زن پدید آورده و چگونه بورژوازی برای دفاع از بربریت حاکم از هیچ‌گونه ابزار و وسیله غیرانسانی دریغ نمی‌ورزد تا هر صدای حق طلبانه‌ای را در گلو خفه سازد.

شکنجه و سلاخی در زندان‌های قرون وسطائی کشورها و مناطقی نظیر ایران، ترکیه و امریکای لاتین و نیز استفاده از بهترین و مدرن‌ترین شیوه‌های علمی برای شکنجه‌های روحی و روانی در زندان‌های اروپا و امریکا، همگی در خدمت ایجاد محیط رعب و وحشتی است که از نمادهای برجسته حکومت‌های امروز سرمایه‌داری به شمار می‌آیند.

نقش بی‌چون و چرای مبارزات سیاسی در زندان‌ها و پیوند این مبارزات با جنبش‌های توده‌ای، موضوعی بود که در بحث‌های گروه‌های کاری به عینه دیده می‌شد. در کشوری که جنبش انقلابی شکست می‌خورد و رژیم سرکوبگر مبارزات توده‌ها را در کوچه و خیابان و در کارخانه و مدرسه به نابودی می‌کشاند و یا به عقب‌نشینی وا می‌دارد، زندان‌ها به کانون‌های پرشور مبارزات انقلابیون بدل شده و چه بسا جنبش‌های انقلابی‌ای نیز از درون آنان شکل گرفته و یا از درون زندان‌ها آغاز می‌شود. نقش سازمان‌ها و مبارزات علنی و مخفی و نیز تشکل‌های خانواده‌های زندانیان سیاسی در پیشبرد و یا حتی در گسترش این مبارزات و یا گرم نگاه داشتن کوره مقاومت انقلابی و افشای پیگیر جنایات حکومت در کلیه کشورها موضوعی بود که در تمامی بحث‌های کنفرانس به آن اشاره می‌شد.

موضوع دیگر بی‌عملی و تبلیغاتی بودن سازمان‌های به اصطلاح "دفاع از حقوق بشر" و نیز هیاهوی دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق انسانی در تجارب کلیه رفقای درگیر در این مبارزات بود. بورژوازی با پدیدآوردن چنین سازمان‌هایی در عرصه بین‌المللی و جهت‌دهی کار این سازمان‌ها سعی بر این دارد که مبارزات رادیکال و انقلابی در این عرصه از جنبش را خنثی ساخته و خود ابتکار عمل را در دست گیرد. کار این سازمان‌ها در عرصه بین‌المللی پناه‌بردن به کشورهایی است که خود عملاً علنی و یا غیرعلنی گروه‌های سرکوب و ترور را سازمان داده و یا ابزار لازم را در اختیار آنان قرار می‌دهند که هر چه خشن‌تر انقلابیون را سلاخی کنند. سازمان‌های به اصطلاح مدافع حقوق بشر سعی دارند با مشروع نشان دادن این رژیم‌ها به عنوان تنها نمایندگان مردم در اذهان توده‌ها و افکار عمومی بین‌المللی و با ایجاد توهم در این زمینه، دست در دست‌دستگاه سرکوب این کشورها، راه‌های نجات رژیم‌های سرکوبگر را فراهم سازند.

در طول این کنفرانس چهار روزه موضوعات متفاوتی، از جمله نقش روند صلح در بسیاری از کشورها از جمله فلسطین و ایرلند، ارتباط با زندانیان، نقش جنبش‌های چریکی در امریکای لاتین و ترکیه و بسیاری از مسائل دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. امید وارم که با همت هیئت شرکت‌کننده ایرانی متشکل از رفقای زندانی سیاسی سابق و نیز عده‌ای دیگر از رفقایی که در این زمینه به مبارزه مشغولند، گزارش مفصلی ارائه داده شود.

با درود های بی پایان

مبارزه برای همبستگی

جمعه ۲ آپریل ۱۹۹۹

در ابتدا یکی از گردانندگان کنفرانس نکات زیر را بیان داشت:

- اهداف کار چگونه هست و چگونه می‌توان به آن رسید؟
- چه درکی از مبارزات همدیگر وجود دارد؟
- استراتژی انقلابی در این جا مطرح نیست ولی به نوعی به آن مربوط می‌شود.
- چه تصویری از مبارزه برای همبستگی وجود دارد؟
- همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی است و باید دید این همکاری به چه صورتی در خواهد آمد.
- ایجاد یک گروه بین‌المللی و گروه آزادی زندانیان سیاسی که در آینده به شکل بین‌المللی کار کنیم.

روز اول جمعه ۲ آپریل

در این کمیسیون ۵۶ نفر از ۱۶ کشور شرکت داشتند که به معرفی خود پرداختند.

- ۱- فرانسه: کار در رابطه با شرایط زندانیان سیاسی در فرانسه و با کمیته ابوجمال در بخش محلی.
- ۲- از آلمان: در رابطه برای آزادی زندانیان سیاسی به ویژه ابو جمال.
- ۳- ترکیه: از گروه "فکر میکنید برای زندانیان سیاسی مسئله همبستگی مهم است؟".
- ۴- کردستان: کانون حقوقدانان کردستان، که تشکل آن در آلمان تشکیل و متشکل از وکلای کردی است که باید کشور خود را ترک می‌کردند. کمیته "کمیسیون" که در باره وضعیت زندانیان رسیدگی می‌کند و به زندانیان کردی که در ترکیه زندانی هستند. آن‌ها برای تدارک کنفرانسی در اهداف بین‌المللی خیلی نقش داشته‌اند و برای آزادی اوجلان فعالیت می‌کنند و می‌خواهند کار را با ارگان‌های بین‌المللی بیشتر کنند.
- ۵- آخیم نورنبرگ: برای آزادی زندانیان سیاسی در جهان و مبارزه ضدامپریالیستی و کار آن‌ها همبستگی با زندانیان "زاف" [فراکسیون ارتش سرخ آلمان که در ایران با نام "گروه بادر-ماینهوف" در رسانه‌ها اعلام می‌شود] و مسئله ایزولاسیون. آن‌ها در ابتدا گروه بزرگی بودند که تقسیم شده‌اند و در گروه‌هایی که برای زندانیان سیاسی به خصوص ابو جمال شرکت می‌کنند و هدف سازماندهی جدیدی را دارند.
- ۶- باسک: فعالیت آن‌ها همبستگی با زندانیان سیاسی که قربانی فشار هستند و بخشی از فعالیت آن‌ها، پیگیری کار زندانیان سیاسی است. شرکت در کار سیاسی و این که عفو در کشورشان چه معنایی دارد.
- ۷- کاسل: در دو زمینه کار می‌کنند. اول این که در گواتمالا با تشکیلات چپ‌پاس کار کرده‌اند و گروهی از آن‌ها در گروه‌شان شرکت کرده‌اند. دوم ضدنژادپرستی که از سال ۱۹۴۴ اعتراضاتی بر ضدنژادپرستی به وجود آمده است که آن‌ها مقاومت برعلیه نژادپرستی را تبلیغ می‌کرده‌اند.
- ۸- تشکل پناهندگی از گواتمالا: از ۳۶ سال پیش در جنگ هستند. پناهندگی حاصل سیاست نابودسازی فعالین سیاسی است. بیش از ۳۰۰ هزار کشته و ۱۰۰ هزار دستگیری زندانیان سیاسی دارند. چون همه کشته می‌شوند قرار داد صلحی که بسته شده است هیچ تغییر کلی ایجاد نکرده است. برای آزادی، حقوق بشر و صلح جهانی مبارزه می‌کنند.
- ۹- سوئد-استکهلم از افراد اورگوئه: سازمان‌های آن‌ها در همه جای دنیا وجود دارد و برای کسانی که در جنگ اورگوئه کشته شده‌اند و برای هویت و عدالت اجتماعی، فعالیت می‌کنند.
- ۱۰- کلمبیا: کمیته حقوق بشر و نقض آن و همبستگی برای تحقق حقوق اجتماعی مردم.
- ۱۱- آرژانتین: کمیسیون همبستگی از گروه‌های مختلف غیر وابسته تشکیل شده‌اند. در سال‌های مختلف زندانیان سیاسی در آرژانتین وجود داشته‌اند.
- ۱۲- پورتوریکو: هدف آزادی ۱۵ پورتوریکویی که در آمریکا زندانی هستند و در ایزولاسیون به سر می‌برند.
- ۱۳- پرو: هیچ سازمانی را نمایندگی نمی‌کنند و برای دفاع از زندانیان سیاسی با جریان‌های مختلف همکاری دارند. برای آزادی زندانیان سیاسی پرویی که در بولیوی و یا شیلیایی‌های تبعیدی که در پرو زندانی هستند، فعالیت می‌کنند. در بولیوی و

زندانی مرد و یک زن وجود دارد. با همکاری وابستگان خانواده‌های زندانیان سیاسی که در شیلی زندانی هستند و نیز در سایر کشورهای مختلف آمریکای لاتین، برای آزادی زندانیان سیاسی فعالیت می‌کنند. از تمام کسانی که مبارزه می‌کنند (چه سیاسی و چه مسلحانه) پشتیبانی می‌شود. این مبارزه را جزئی از مبارزه برای آزادی تمام زندانیان سیاسی جهان ارزیابی می‌کنند.

۱۴- آلمان: گروه آزادی زندانیان یاسک و همکاری با ایتالیا- فلسطین و کردستان این برنامه را سازمان‌دهی کرده‌اند. برنامه را به زبان‌های مختلف ارائه کرده‌اند. به نظر آن‌ها پروژه همبستگی بین‌المللی و مسئله همبستگی با زندانیان سیاسی یک مسئله بین‌المللی باید باشد و می‌توان بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی به شکل چپ لیبرال با هم کار کرد.

۱۵- یک ارگانیزسیون چپ آلمانی و جریان‌های مختلف چپ در آن شرکت دارند و برای آزادی مبارزه کرده‌اند ولی به‌عنوان جانی در سطح جامعه معرفی می‌شوند. ۳۵۰۰ عضو دارند. اکسیون‌های همبستگی برای دفاع از زندانیان سیاسی و گروه‌هایی که مبارزه مسلحانه می‌کنند و یک شبکه ارتباطی همکاری برعلیه صدور دستگاه‌های شکنجه به کشورهای دیگر برای شکنجه زندانیان سیاسی، از جمله فعالیت‌های آنان می‌باشد.

۱۶- آلمان-کلن: کمیته برای دفاع از زندانیان سیاسی. بعد از اعتصاب غذای سال ۱۹۸۸ زندانیان سیاسی آلمان تشکیل شد. کار آن‌ها فعالیت برای آزادی ابوجمال و اکسیون‌هایی برای آزادی زندانیان سیاسی، تشکیل گروه‌کاری در رابطه با اتحادیه اروپا و ... می‌باشد.

۱۷- علیه فشار های سیاسی و کار در سطح بین‌المللی

۱۸- فرانسه: گروه کوچک بین‌المللی همبستگی با زندانیان سیاسی از فرانسه بخش آلمان. از نظر آن‌ها مسئله اساسی کنفرانس باید این باشد که چگونه می‌توان برای آزادی زندانیان سیاسی فعالیت کرد.

۱۹- کامرون: یک ژورنالیست از کامرون، به‌خاطر مقاله‌ای که درباره فساد رژیم نوشته است و به‌خاطر نظرات سیاسی و عقیده سیاسی دستگیر می‌شود و دو سال حکم می‌گیرد ولی به‌خاطر حرکت‌های جهانی، ده ماه زندان می‌شود.

او معتقد است که در کامرون نمی‌شود همبستگی بین‌المللی را سازمان‌دهی کرد چون وضعیت پیچیده است. فشار سیاسی بر مردم در کامرون زیاد است ولی این طور وانمود می‌شود که کامرون یک کشور آرام است و مشکلی ندارد و رژیم نظامی نیست قوانین وجود دارد. در واقع مخالفین رژیم به‌عنوان جنایتکار معرفی می‌شوند و ده سال زندان می‌گیرند.

از افریقا گروه همکاری برای آزادی زندانیان سیاسی در افریقا موفقیت‌هایی داشته است.

۲۰- گروه آزادی زندانیان سیاسی از فرانسه و اسپانیا و از طرف پزشکان بدون مرز برای بهبود شرایط زندانیان سیاسی.

۲۲- گروه کلمبیا در برلین آلمان: تشکلی بین‌المللی هستند که خود را یک جریان چپ انقلابی ارزیابی می‌کنند بیشتر با زندانیان سیاسی و مبارزه جاری همبستگی دارند. به مبارزه طبقاتی اعتقاد داشته و به همبستگی بی‌هویت و بدون جهت اعتقاد ندارند. کلمبیا کشوری است که کمتر شناخته شده است و به‌خاطر مواد مخدر بر سر زبان‌ها است. مبارزه مردم کلمبیا برای زندگی در شأن انسانی، حقوق بشر و پایان جنگ [داخلی] است.

دولت کلمبیا را مسئول نابودی اتحاد میهن پرستان می‌دانند و همین‌طور نیروهای ارتش مسئول قتل‌عام‌های کلمبیا هستند. در اسنادی که وجود دارد ۴۹۸۰ نفر قتل‌عام سیاسی شده‌اند. (۱۹۹۸)

این گروه معتقد است که باید مکانیسم‌هایی ایجاد کرد که سطح مبارزه بین‌المللی را بالا برد.

۲۳- کلمبیا: نیروهای مسلحانه انقلابی ارتش خلق (فارک) که یک گروه نظامی و سیاسی است، ۳۵ سال فشار و سرکوب را پشت سر گذارده است. قبل از مسلح شدن سعی کردیم با قتل‌عام‌ها مبارزه کنیم که هیچ‌گاه پاسخی دریافت نکردیم. سال ۱۹۸۵ بود که ۴۰۰۰ نفر که برای صلح گرد آمده بودند را کشتند. ما در حالت مذاکره برای آشتی هستیم. مذاکره برای به‌دست آوردن حداقل‌ها در جلوگیری از سرکوب و کشتار خلق توسط رژیم انجام می‌شود. ۲۰۰۰ زندانی سیاسی دارند که بخش عمده آن از مردم عادی هستند. سعی می‌کنند که رژیم را به‌خاطر تروریسم به محاکمه بکشانند.

۲۴- برلین: آلمان در دوران جنگ ویتنام دهه شصت میلادی به جنبش سیاسی پیوسته است. از سال ۱۹۷۵ با گروه‌هایی که برای آزادی زندانیان سیاسی کار می‌کنند. در گروه‌شان برعلیه امپریالیسم و برای همبستگی بین‌المللی، بعد از فرو ریختن دیوار برلین با هم همکاری می‌کنند. گروه‌شان هم از شرق و هم از غرب آلمان هستند. حمایت از زندانیان سیاسی و شرکت در محاکمات آن‌ها از جمله فعالیت‌های آنان است. از یک‌سال پیش به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌دانند چگونه بایستی حرکت کنند و یکی از راه‌ها این است که بین‌المللی شوند ولی نمی‌دانند چگونه به درستی این کار را به انجام برسانند. براین نظر هستند که بین‌المللی کردن دفاع از زندانیان سیاسی و مقاومت در این کنفرانس به نتیجه برسد.

۲۵- ایتالیا: از سال ۱۹۹۵ تشکیل شده‌اند. در رابطه با آزادی ابوجمال و همبستگی با زندانیان سیاسی علیه امپریالیسم بین‌الملل و از هماهنگی عده‌ای از زندانیان سیاسی ایتالیا تشکیل شده‌اند. شرکت آن‌ها در این هماهنگی، به این هماهنگی وجهه داده است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ابوجمال از آزادی سایر زندانیان سیاسی جدا نیست و مبارزه بر علیه لستعمار و سرکوب لازم‌اش یک برنامه جهانی است.

۲۶- فرانکفورت: همبستگی با کردستان. در ۱۸ مارس سال قبل برای این کنفرانس برنامه‌ریزی کرده‌اند. اهداف آن‌ها از شرکت در کنفرانس: همبستگی سیاسی و نیاز برای رهایی، انتقال تجربیات شخصی برای مبارزه بین‌المللی و توافق برای یک روز به خاطر دفاع از زندانیان سیاسی و انقلابی.

۲۷- تشکیلات آمریکا: برای آزادی ابوجمال و سایر زندانیان سیاسی آمریکا کار می‌کنند. دولت آمریکا می‌گوید که زندانی سیاسی نداریم ولی تعداد زیادی زندانی سیاسی هستند که تحت فشارند. از نظر این گروه مشکل این نیست که دولت‌ها چه می‌کنند، مسئله مهم این است که چگونه می‌توان جنایات را متوقف ساخت. ۳۰ سال است که این جنبش مبارزه جهانی می‌کند.

۲۸- کلن: آمادگی بر علیه سرکوب و استثمار اتحادیه اروپا.
۲۹- برلین: بخشی از گروهی که بر علیه سرمایه‌داری فعالیت می‌کند.
۳۰- آمریکا: ۱۰۰ زندانی سیاسی در آمریکا هست ولی ۳ هزار نفر در خطر اعدام هستند. آن‌ها با گروه آزادی ابوجمال همکاری می‌کنند.

۳۱- ایرلند: از سال ۱۹۳۲ به‌وجود آمده است. از شین فین ولی بعداً از آن‌ها جدا شده‌اند، چون از برنامه سیاسی آن‌ها ناامید شده‌اند. در ۹ ماهه اخیر علیه تمام فشارهایی که وجود دارد مبارزه می‌کنند. این شرکت‌کننده اعتقاد دارد که کسانی که برای قرار داد صلح [بین ایرلند و انگلیس] همکاری می‌کنند، عقاید خود را کنار گذاشته‌اند.

۳۶- بلژیک: صلیب سیاه آنارشیست. از آنارشیست‌های بلژیک هستند. اهداف آن‌ها: دفاع از زندانیان سیاسی، مبارزه طبقاتی و خواسته‌هایی اجتماعی.

۳۷- مونیخ: گروه "و" نام دارند. از سال ۱۹۸۵ تشکیل شده‌اند. با زندانیان سیاسی در اروپا و آمریکا همکاری می‌کنند. نشریه آن‌ها این امکان را دارد که نظرات زندانیان سیاسی را منعکس سازد. در سال ۱۹۹۷ یک فیلم از زندانیان "راف" ساخته‌اند. وحدت دو آلمان، اثراتی بر روحیه آن‌ها داشته است.

۳۸- مونیخ: کمیته بررسی قتل. فعالیت بر علیه جانین جنگی و علیه راسیسم می‌کنند. گروه از ۹ سال پیش تشکیل شده است.
۳۹- از کردستان: دو سال زندان بوده است و در برلین با مستقلین کار می‌کند. این کنفرانس انگیزه‌ای شده که حمایت و همبستگی بین‌المللی با زندانیان سیاسی به‌وجود آید.

۴۰- برکلی: کمیته حقوق بشر بین‌المللی. علیه اخراج پناهندگان مبارزه می‌کند و همبستگی بین‌المللی برای آزادی زندانیان سیاسی.

۴۱- هامبورگ: برای آزادی ابوجمال.

۴۲- آلمان: حمایت از زندانیان سیاسی در شیلی که به‌عنوان تروریست ارزیابی می‌شوند.

۴۳- برلین: گروه شیلی برای تحویل پنیوشه [به منظور دادگاه بین‌المللی] فعالیت می‌کند.

۴۴- آلمان: کمیته کردستان در آلمان گروهی برای همبستگی با زندانیان سیاسی وجود ندارد و می‌خواهند بدانند که در کشورهای دیگر وضعیت چگونه است.

۴۵- کلن: برای کردستان فعالیت می‌کند.

۴۶- ایران: از کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در برلین

۴۷- ایران: از زندانیان سیاسی سابق ایران.

۴۸- باسک

...

گزارش جلسه بعد از ظهر جمعه ۲ آوریل

سؤالاتی را درباره مسئله همبستگی و ضرورت آن که از طرف جمع کنفرانس مطرح شده بود، مورد بحث گذاشتند.
- در طول معرفی بعضی‌ها مطرح کردند که همبستگی بین‌المللی ریشه‌اش کجاست؟ و موانع همبستگی چیست؟

بعضی از شرکت‌کنندگان مطرح کردند که همبستگی برای زندانیان سیاسی مهم هست ولی برخی دیگر می‌گفتند همبستگی در مورد زندانیان سیاسی تحت تعقیب و محرومیت آن‌ها اهمیت دارد.

- به کمبودها و همین‌طور به راه‌های عملی برای همبستگی باید اشاره کرد.

ضرورت همبستگی تأکید شده است مسائل زیادی در اهمیت این مسئله هست. مورد ابوجمال یکی از آن‌هاست. در آلمان در رابطه با آمریکای لاتین در دهه ۸۰ همبستگی فعال بوده است.

- یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرده است که همبستگی برای من ناامیدی ایجاد کرده است. کنفرانس‌های همبستگی اعلام کرده‌ایم و ضرورت همبستگی در اعلامیه بیان شده است ولی بعد از این اقدام کار عملی ویژه انجام نشده است. چه بر آوردی برای این همبستگی وجود دارد و چه فاکتوری وجود دارد، ضرورت همبستگی و نظرات مختلفی که در این رابطه وجود دارد؟ از آمریکا: در این جا مسئله همبستگی وجود ندارد، ما نمی‌توانیم آن را به وجود آوریم. چون فکر می‌کنم امکانات ما همین است. همبستگی بین‌المللی باید همه را به انجام کاری وادارد. می‌توانیم تظاهرات بزرگی داشته باشیم، و یا بعضی‌ها فکر می‌کنند که نامه‌های فراوانی نوشته شود. نباید گفته شود که این کار درست هست و یا نباید انجام شود. هر کسی هر کاری که درست تشخیص می‌دهد، باید انجام دهد. نباید تعیین کرد که چه کاری باید انجام شود و چه کاری نباید انجام شود. از این طریق است که می‌توان از خلاقیت همگی استفاده شود. این مسئله‌ای اساسی است.

باسک: زمانی که درباره همبستگی صحبت می‌شود، نباید مجرد باشد و بایستی در سطح گسترده مطرح شود. جریانات گوناگون از کشورهای مختلف از علت مبارزه و همبستگی تعریف‌های مختلف دارند و همبستگی در کشورهای متروپل، تعریف خود را از دست داده و محدود به سازمان‌های غیردولتی کوچک شده است که برای دفاع از آزادی زندانیان سیاسی و حقوق بشر مبارزه می‌کنند.

خواسته من این است که مشخص بگوییم که تعریف و خواست ما از "همبستگی" چیست؟ به نظر من این نوع از همبستگی، در درون آژانس‌های سیستم است که خودشان آن را تبلیغ می‌کنند.

ایتالیا دفاع از ابو جمال: آن چه که افکار ما را محدود می‌کند، اشکال مختلفی از همبستگی وجود دارد. فکر می‌کنم فقط نباید یک جریان را حفظ کرد. این مبارزات باید مجموعاً پیش برده شود. هیچ بحث مجردی وجود ندارد، این که چه مشخصاتی تشکل ما دارد مبارزات خودمان را هر چه بیشتر مشخص کنیم. همبستگی با زندانیان سیاسی، ما را در عالی‌ترین شکل تبادل افکار نشان می‌دهد با توجه به محتوی انقلابی زندانیان سیاسی در مورد ابوجمال سعی می‌شود، شکل دیگری را نشان دهد. این افکار مختلف مبارزه را نشان می‌دهد. بر علیه امپریالیسم باید بتوانیم عکس‌العمل لازم را نشان دهیم و یک پاسخ واقعی برای آن پیدا کنیم. باید سعی کنیم قدرت مقابله با امپریالیسم را ایجاد کنیم. چرا مهم است در رابطه با زندانیان سیاسی اقدام کنیم؟ چون باید با سرکوب مبارزه کنیم و سعی کنیم که عواملی که این سرکوب را ایجاد می‌کنند، مشخص کنیم.

گوئتمالا: ما باید یک توضیح عمیق‌تر و قوی‌تر را پیدا کنیم. چون تجربیات مختلف را از کشورهای مختلف شنیده‌ایم. در گوئتمالا قرارداد صلح، پولش را گرفته است ولی هنوز از صلح خبری نیست. مسئله زندانی سیاسی، از مسئله انقلاب جدا نیست. اینک چه باید بکنیم؟ باید علیه سرکوب و فساد و نیز بر علیه نقض حقوق بشر مبارزه کنیم. از دولت‌ها بخواهیم که به خواست توده‌ها پاسخ دهند. احتیاج داریم یک درخواست داشته باشیم. این کنفرانس کافی نیست و فقط می‌تواند یک کمیته همبستگی ایجاد کند. چون از هم جدا شویم، نمی‌توانیم همدیگر را ببینیم و نمی‌دانیم آیا مورد حمایت سایر جریانات قرار می‌گیریم یا نه؟ پروسه صلح در کشور ما هم با چنان موانع برخورد کرده است. ما این مشکلات را می‌شناسیم و در مقابل دشمن مشترک باید مبارزه کنیم.

این سؤال پیش آمده که چرا همبستگی آن قدر ضعیف است؟ نباید این مسئله را از مسائل سیاسی جدا کرد. باید دید در هر کشوری وضع چگونه است، زمانی که در هر کشور جنبش همبستگی به وجود آید، قوی هستیم. خواست آزادی زندانیان سیاسی یک قدم به جلو است و به این سادگی نیست که از این کنفرانس، همبستگی بین‌المللی را نتیجه گرفت.

ایتالیایی‌ها پیشنهادشان خوب است، اما نمی‌توانیم تصور کنیم که چطور قابل پیش‌برد است.

کردستان: امپریالیست‌ها با هم همکاری می‌کنند و نمونه آن تحویل اوجلان به ترکیه است. کردها سعی می‌کنند آن را در سطح بین‌المللی مطرح کنند، اما پاسخی نگرفته‌اند. کاملاً لازم است ما همکاری برای دفاع از حقوق بشر، همکاری با انسان‌هایی که سیاسی هستند را تقویت کنیم. از این نظر نیروهای خود را متحدتر و فشرده‌تر کنیم. خیلی از رفقا درباره وضعیت کشورهایشان صحبت می‌کنند، زندانیان سیاسی شرایط سختی دارند. همان‌طور که صحبت شد، باید همکاری مشترک و مشخص انجام شود، چون تا به حال یک سری کارهای مشترک انجام شده است باید به این قضیه بپردازیم که پیش شرط‌ها را

چطور باید پاسخ گوئیم، برای فعالیت حول آزادی زندانیان سیاسی، باید سعی کنیم که کار مشترک برای از بین بردن سرکوب زندانیان سیاسی را به پیش ببریم.

گزارش روز شنبه ۳ آوریل

جمع بندی از نظرات روز گذشته

- ۱- کلمبیا پیشنهاد داد که درباره صلح برای جنبش‌های آزادی‌بخش.
- ۲- آلمان‌ها در مورد همبستگی برای آزادی زندانیان سیاسی و دفاع از آن‌ها.
- ۳- آلمان پیشنهاد داد که سالی یک بار نشریه‌ای برای مبادله اطلاعات داده شود.
- ۴- کامرون برای چگونگی مبادله اطلاعات برای آزادی مطبوعات شبکه‌ای در تورنتو به وجود آوریم. هر مرکز مطبوعاتی که بخواهد برای آزادی مطبوعات فعالیت کند با شبکه اینترنت در تورنتو تماس بگیرد. در مورد نشریه مشترک هر بار در سال می‌تواند حتی چند بار در سال منتشر شود.
- ۵- باسک، این امکان در اینترنت وجود دارد. آن چه مهم این است که ما بتوانیم اخبار و اطلاعات به هم برسانیم. در سپتامبر گذشته [۱۹۹۸] کنفرانسی از جریانات مختلف شرکت داشتند. پس در این نشست شاید انتظار باشد که یک گروه هماهنگی به وجود آید که تمام حرکت‌های آزادی‌بخش را سازمان‌دهی کند.
- ۶- مشکل کمبود اطلاعات خیلی مهم است وقتی اطلاعات داشته باشیم می‌توانیم سریع‌تر حرکت کنیم، باید به اطلاعات اینترنت بتوان اعتماد کرد، بنابراین سازمان‌های مختلف می‌توانند اخبار خود را در این شبکه وارد کنند که بشود از اخبار آنان استفاده کرد.
- ۷- آلمان، مبادله اطلاعات و اخبار مهم است ولی باید در یک جایی هماهنگی بشود، چون صرف خبر تنها مهم نیست. مسئله مهم کمیته هماهنگی، برای همبستگی است. مسئله اشی و رهایی زندانیان سیاسی برای همه گروه‌ها مهم است. جریانات سیاسی که در مورد آزادی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کنند.

هیئت گرداننده گروه ۶، پنج نکته را مطرح کرد که بقیه نظرشان را درباره آن بدهند:

- ۱- همبستگی به‌طور مجرد قرار ندارد و در ارتباط با جامعه، معیار همبستگی مبارزه برای استقلال و آزادی از فشار معنی می‌یابد. موافقت با یک یا دیگر خطوط سیاسی نیست و سؤال در مورد شکل یا وسیله مبارزه نیست. همبستگی باید در مفاهیم شخصی و حزبی باشد و بطور خلاصه همبستگی باید مستقل و جهت‌دار باشد.
- ۲- همبستگی یک چیز عمومی است و تاکتیک نیست. همبستگی چیزی بیشتر از حمایت معنی می‌دهد و اساسی برای هر سیاستی است. همبستگی برای یک آلترناتیو اساسی برای اجتماع تحت فشار تعیین می‌شود.
- ۳- وظیفه همبستگی دنباله‌روی از سیاست دولتی را از بین می‌برد. افکار عمومی بین‌المللی دموکراتیک را باید آگاه کرد و سازمان داد. اما این به آن معنا نیست که در مورد اهداف زندانیان سیاسی سکوت شود. زندانیان سیاسی پرونده‌ها و موضوعاتی سیاسی هستند. همبستگی، باید صدای آن‌ها را قوی‌تر کند و نباید به‌عنوان وسیله‌ای برای قربانی شدن مورد استفاده دولت قرار بگیرند.
- ۴- حقوق بشر نباید مورد مذاکره قرار گیرد. زندانیان سیاسی در مقابل پول قرار نمی‌گیرند و این یک پرنسیب است. بنابراین سازمان‌های همبستگی نباید در مذاکرات سیاسی شرکت کنند.
- ۵- نه تنها آزادی بلکه حقیقت و عدالت حکم می‌کند که شکنجه‌گر مجازات شود. از بین بردن قوانین ضد ترور و نابودی زندان‌های امنیتی و البته به اهداف بلاواسطه همبستگی با زندانیان سیاسی است.

شرکت کنندگان در کمیسیون

فرانسه: در اروپا با همبستگی فقط با زندانیان سیاسی مطرح نیست و فراتر از این مسئله می‌رود. این همبستگی، بر نژادپرستی و اخراج پناهندگان نیز تأکید دارد. در کشورهای جهان سوم حمایت نه تنها از زندانیان سیاسی، بلکه مشکلاتی که برای آزادی عقیده و سایر موضوعات وجود دارد. در اردوگاه‌های پناهندگی، میلیون‌ها پناهنده از کشورهای مختلف هستند. برای ما مهم نیست که از چه نژادی هستند بلکه تحت فشار بودن آن‌ها مورد توجه است. در گواتمالا فقط مبارزین مسلح تحت فشار

نیستند که سلاح‌شان را باید پس بدهند بلکه کل مردم تحت فشار هستند. همبستگی فقط یک سنت قشنگ نیست، بلکه سلاحی در مبارزه بر علیه امپریالیسم است که می‌خواهد تمام کشورها را تحت سلطه خود بگیرد.

آلمان: ما اگر خودمان تعریف نکنیم، معلوم نیست که مستقل بودن یا نبودن چیست.

آلمان: مسئله در اینجا هماهنگی دفاع سیاسی از زندانیان سیاسی است.

آلمان: همبستگی باید باشد و به شکل شبکه همبستگی بین المللی. مشخصات این شبکه همبستگی، چه طور باشد؟ نباید جدا کنیم که کدام زندانی باید آزاد بشود.

آلمان: همبستگی در تبعید یا این موافق نیستیم، زیرا نمی‌شود به توافق رسید. چیزی در این میان است، وقتی یک نظر سیاسی را قبول نداشته باشیم، همبستگی کور و این که همه چیز را رها کنیم، معنی ندارد. پیدا کردن اصل مطلب مهم است باید نظرات مخالف و موافق را به بحث بگذاریم که در محتوای کار ما خیلی مهم است.

- سوالات زیادی با توجه به شرایط مختلف کشورهای وجود دارد که باید جوابی پیدا کنیم. باید روی این تزاها به توافق برسیم و روی اختلافات مان در این باره بحث کنیم. در مورد اولین تزا، یعنی استقلال است. سال‌ها سیاست ما این بوده که خطوط زندانیان سیاسی را تبلیغ کنیم. باید کار سیاسی را حول این مسئله سازمان‌دهی کرد که این غلط بود و در درازمدت به زندانیان سیاسی کمک نکردیم. در مورد این تزا، اختلاف نظرانی وجود دارد وقتی به کارهای عملی در آینده به‌خواهیم فکر کنیم، دائماً مانع ما خواهد شد. ما بدون مسئله زندانیان سیاسی نمی‌توانیم کار دیگری بکنیم، چیزی که در این جا بایستی پیش برده شود.

برای پیش شرط‌های همبستگی باید هماهنگی‌هایی به‌وجود بیاید چارچوبی در نظر گرفته شود.

- شرایط عینی همبستگی کجاست؟ و وقتی همبستگی بیانگر تغییرات لازم در جامعه است، همبستگی به‌عنوان وسیله ارزشی است؟ در آلمان در مورد این همبستگی توجه نشده است.

کلمبیا: خوب است که تجربیات مطرح شود. تعریف مجرد آزادی و مبارزه به تنهایی کافی نیست. مبارزه نباید به آزادی زندانیان سیاسی ختم بشود بلکه باید به شرایط سرکوب هم بپردازد. در اروپا، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه با رژیم است که آن‌ها را زندانی کرده است. تزاها مورد بحث چیز مشخصی را مطرح می‌کنند و همه آن‌ها تکرار است.

آرژانتین: تشکیلات آزادی‌خواه در آرژانتین به این نتیجه رسیده که همه آن‌هایی که در رابطه با مشکلات اجتماعی و آزادی مبارزه می‌کنند و به زندان می‌افتند، به‌عنوان زندانی سیاسی ارزیابی می‌شوند.

آلمان: نظرات در اینجا مختلف است، چون تجربیات متفاوت است. این‌طور نیست در بحث ما تاکید می‌شود که آزادی زندانیان سیاسی مقوله‌ایست که در رابطه با امپریالیسم است و ما باید سعی کنیم پاسخی برای این مقوله پیدا کنیم. درباره سوالاتی که تا به حال مطرح شده‌اند که مثلاً انسان هویت سیاسی خود را درباره نظرات دیگران از دست می‌دهد، باید توجه داشت که ما خودمان بخشی از آن مبارزه بودیم. به ما تحمیل نشده بود، در گذشته با نظرات سیاسی خیلی دگم برخورد می‌کردیم که باید با آن مبارزه کرد. خیلی‌ها می‌گویند باید قطع‌نامه پایانی صادر شود و همه به آن رأی می‌دهند و امضا می‌کنند. در حالی که من فکر می‌کنم بستگی به ظرفیت و کمیت کنفرانس دارد. نمی‌توانیم همه جا حضور داشته باشیم بلکه باید بر اساس ضرورت‌ها در مبارزه سیاسی شرکت کنیم. مشکل است که حرکت‌های مختلف مبارزاتی را در ظرف یک روز جمع کرد و حرکت کرد. مثل مورد ابوجمال، حمله ناتو و یا اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ترکیه که نتوانستیم در این رابطه حرکت کنیم و باید حرکت کنیم.

مسئله وحدت

نظرات مختلفی وجود دارد. مثلاً پذیرش نظرات یک زندانی سیاسی در موقع حمایت از او. ما در هیچ حالتی نمی‌توانیم این را تعیین کنیم. موارد قابل اجرا، برای همه را فکر می‌کنم که ضرورت دارد یک مقوله مشترک تعریف شود که نیرویی شود، برای همبستگی ما برای تشکل آزادی زندانیان سیاسی و هدف تشکل یک پارچه نیست.

آرژانتین در نشست گروهی برای آزادی زندانیان سیاسی وجود داشته است و توانسته هماهنگی در این مورد داشته باشند، پیش شرط‌های این هماهنگی بوده است.

پاسخ آرژانتین: نتایج نشست بوینوس آیرس مثبت بوده است. انتظارات حداقل برای هماهنگی کار مشترک به‌وجود آمد، امیدبخش بود. بچه‌های باسک نقش موثری داشتند و همبستگی بین‌المللی باعث شد که زندانیان آزاد شوند.

آلمان: فقط تز ارائه داده می‌شود و در آینده باید رعایت کرد که برای عمل کردن اقدام کنیم. یک سری پیشنهاداتی که به شرایط کنونی مربوط می‌شود، بپردازیم. آکسیون علیه فشارهای سیاسی در اروپا از جمله مبارزه علیه پلیس در اروپا، زندانیان سیاسی در اروپای غربی لازم است.

پرو: ما یک راه حل مشخص برای شرایطی که در آن به سر می‌بریم، لازم داریم. همیشه مشکل زمان داشتیم. در تسخیر سفارت ژاپن، رفقای آلمانی برای ما پیام نفرستادند در حالی که همبستگی رفقای ایتالیایی و اسپانیایی باعث تقویت روحیه رفقای ما شد.

فرانسه: آدم می‌تواند در یک سازمان انسان‌دوستانه و در عین حال در یک سازمان انقلابی شرکت کند. بین این دو تیپ سازمان، اختلاف وجود دارد. در چارچوب انسان‌دوستانه می‌توان برای آزادی دوستان در اسپانیا، کمک به پناهندگان در فرانسه موفق بود. این امکان را دارم که به رفقای کردستان و ابوجمال کمک کنم و کار سیاسی را در چارچوب سازمان‌های انسان‌دوستانه سازمان‌دهی کنم.

پرو: سازمان‌های حقوق بشر از قبیل کمیته هماهنگی با زندانیان سیاسی نباید در مذاکرات سیاسی شرکت کند بلکه در مذاکرات برای بهبود در وضعیت زندانیان شرکت کرد. برای مثال، سازمان‌های دولتی هم کسانی هستند که می‌توانند موثر باشند. باسک: هر جا که سرکوب هست، مبارزه برای آزادی یک سرگرمی است.

کردستان: می‌خواهم وضعیت ترکیه را مطرح کنم. در زمانی که اوجلان در رم بود، امکان پیدا کردن یک راه‌حل سیاسی وجود داشت. ۴۶ روز است که زندانیان سیاسی در ترکیه در اعتصاب غذا هستند و تعدادی از آن‌ها کشته شده‌اند. در این شرایط این رابطه و همکاری لازم است که جلوی چنین مرگ‌هایی را بگیرد.

نمایندگان فارک: تجربیات در مورد کشورهای دیگر در مورد همبستگی چیست؟ تا به حال نمی‌توانستیم چنین کنفرانسی را به‌وجود آوریم. طبیعی است ما نیز تجربیات خودمان داریم. قیل ا زهر چیز باید بگوییم زندانی سیاسی از کجا می‌آید. اگر این مسئله برایمان مشخص نباشد، حرکات پراکنده می‌شود. امروز این زندانی سیاسی کشته می‌شود و فردا دیگری. در کلمبیا ترکیب متفاوت بود. بعضی‌ها به‌خاطر آزادی، بعضی مبارزه مسلحانه، عده‌ای در رابطه با اتحادیه‌ها و جمعی جنایتکار معرفی می‌شوند. امروز شرایط دیگری است، سعی می‌شود که بر اساس بعضی قوانین یک سری از زندانیان سیاسی آزاد می‌شوند و یک سری دیگر از زندان بیرون نیایند.

دولت یک ارگان سرکوب است از زندانیان علیه طبقات مبارزه می‌کنند. در کلمبیا مبارزه مسلحانه تنها شکل مبارزه است. چرا زندانیان سیاسی وجود دارد؟ ما نباید زندانیان سیاسی را از پروسه سیاسی آن‌ها جدا کنیم. ما باید به یک دکتورین مشترک برای کارمان برسیم و دیگر مهم نیست که اشکال مبارزه پراکنده باشد و اما چرا زندانی سیاسی وجود دارد؟ چون آن‌ها علیه طبقات حاکم هستند. در مورد آمریکای لاتین، به‌خصوص در کلمبیا مبارزه برای زندانیان سیاسی، مبارزه علیه سرکوب است. همان‌طور که رفقایمان گفتند، مبارزه ما علیه امپریالیسم است. ما وقتی برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کنیم یک سری آزاد می‌شوند و یک سری دیگر هم دوباره دستگیر می‌شوند. بنابراین مبارزه باید علیه پروسه سرکوب سیاسی باشد.

روش‌های مختلف برای آزادی آن‌ها وجود دارد، خود ما برای آزادی آن‌ها مبارزه می‌کنیم و به زندان می‌آفتیم. در کلمبیا همبستگی جنایت به شمار می‌رود. دو گانگی این است که در کلمبیا چیزی به‌عنوان زندانی سیاسی وجود ندارد چون کشته می‌شوند. اگر کشته نشوی، شانسی داشته‌ای که جان سالم بدر ببری.

در مناطقی که درگیری هست و گروهان‌گیری جدید می‌شود، ما از طریق گروه‌های انسان‌دوست مثلاً کلیسا به‌عنوان واسطه استفاده می‌کنیم. رابطه با گروه‌های انسان‌دوست محدودتر شد، چون قوانین هم محدودتر شد. به این نتیجه رسیدند که گروهان‌ها را با زندانیان سیاسی مبادله کنند. اگر به صلح برسیم و به این مبادله احتیاجی نیست.

آلمان: در بحث‌ها دو راه حل به‌نظر می‌رسد:

۱- انسان احتیاج دارد که در زندان نباشد که برای خیلی از کشورها این مسئله دور از دسترس است.

۲- عده‌ای آزاد می‌شوند و عده دیگری وارد زندان می‌شوند. این مسائل، اساسی لازم دارند که در کارهای همبستگی در آلمان هم، برای ما مطرح می‌شدند. ما این‌جا تجربه کردیم که ارتباط ما با کسانی است که هر بار تجدید می‌شوند و گروه‌های کوچک محلی به‌علت نداشتن دوام‌کاری نمی‌توانند همبستگی بین‌المللی را پیش ببرند. در این‌جا امکان دارد که تجربه‌ها مبادله شوند. مسئله این است که مسئله ملی امکان ما را محدود می‌کند. در آلمان انواع مختلف مبارزه وجود دارد که با هم ارتباط ندارند. همبستگی در بین آن‌ها کم است. هر جریانی برای زندانی سیاسی خودش مبارزه می‌کند و اشکال کار این نیست که تجربه مشترک پیدا نمی‌کنیم. ما هر بار باید از اول شروع کنیم و بهتر است که روی آن فکر کرد که اولین قدم همبستگی در

هر کشوری صورت بگیرد، امکان ارتباط در هر کشوری وجود ندارد و بنابراین به کشورهای دیگر هم منتقل نمی‌شود. من فکر می‌کنم در ۵ یا ۱۰ یا ۲۰ قبل هم که اولین قدم همبستگی شروع شد ما همین سوالات را مطرح کردیم.

وقتی در مورد همبستگی صحبت می‌کنیم، باید در حدود مرزهای همبستگی صحبت کرد. حتی در آلمان دو نوع زندانی وجود دارد. وقتی یک جریانی همین را مرز همبستگی اعلام می‌کند، من برای آن‌ها کاری نمی‌کنم. یک سال پیش یک مصاحبه با یک شهردار یک جنبش آزادی‌بخش داشتیم، او تزه‌های سرمایه‌داری را مطرح می‌کرد. در این جا برای من در رابطه با همبستگی این دو مسئله مطرح است:

۱- پیش شرط‌های همبستگی برای چی و با چه کسی؟

۲- در مورد روز زندانیان سیاسی مبارزه برای آزادی آن‌ها آیا می‌توانیم یک مبارزه انقلابی را به‌طور مشخص بیان کنیم؟
زندانیان سیاسی یک تضاد داخلی ایجاد می‌کنند. باید دیدگاه مشخصی در این رابطه وجود داشته باشد. حمله به تک تک زندانیان سیاسی صورت نمی‌گیرد. مسئله در سطحی وسیع وجود دارد. در این سمت است که می‌توان این تضاد را شناخت و در بخش‌های خاصی از ترکیه، کردستان و کلمبیا علت و معلول رابطه وجود دارد. همان‌طور که گفته شد سرکوب تضادی است بین پرولتاریا با امپریالیسم که خود را به شکل‌های مختلف نشان می‌دهد. به‌خصوص در ده تا بیست سال اخیر ما را مجبور می‌کنند که همبستگی ما در مورد چه کسی باشد. این همبستگی باید علیه سرکوب باشد. استراتژی امپریالیسم است که علیه جنبش‌های آزادی‌بخش مبارزه کرده و برای مثال در الجزایر جنبش اسلامی را تقویت می‌کند.

ترکیه: پیشنهادات همه جمع این می‌شود که دو گروه مطرح است، کسانی که می‌گویند که با مبارزات ناسیونالیستی مرزبندی داریم. برخی مبارزه در کردستان را یک مبارزه سوسیالیستی می‌دانند که ترکیه همراه امپریالیسم، علیه خلق کرد مبارزه می‌کنند. جنبش یاسک از نظر بین‌المللی مبارزه‌ای ضدامپریالیستی ارزیابی شده است. در مورد زندانیان سیاسی در یاسک ما با آن‌ها همبستگی بین‌المللی داریم. این زندانیان در یاسک به‌خاطر افکارشان زندانی هستند. بایستی برای رساندن صدای آن‌ها که به‌خاطر حرکات سیاسی زندانی شده‌اند و صدایشان را خفه می‌کنند، همبستگی خودمان را بی‌افزاییم. در ضمن، همبستگی یک خیابان یک طرفه نیست و این نیست که فقط بخواهیم بلکه باید بدهیم.

پرو: در مبارزه کشورهایی مانند آلمان و کشورهای تحت‌استعمار اختلاف وجود دارد. فرهنگ ما را گرفته‌اند و یک فرهنگ دیگر داده‌اند. ما ناسیونالیسم را در رابطه با فرهنگ می‌فهمیم و با آن چه را که پاسفیس‌ها مطرح می‌کنند، مخالفیم. مبارزه‌ای که ملی می‌نامیم، یک مبارزه ضدامپریالیستی و طبقاتی است تا یک جامعه دیگر را که سوسیالیسم می‌نامیم، به‌وجود بیاوریم.

کامرون: من در این گروه شرکت کردم که به شما نشان دهم که در اثر مبارزات بین‌المللی آزاد شده‌ام. ۲۰ سال است که روزنامه چاپ می‌کنم. همکارانم تحت شدیدترین فشارها بوده و زندانی شده‌اند و همبستگی باید از سطح ملی خارج شده و در سطح بین‌المللی انجام شود. خجالت می‌کشم که در کشورم همبستگی بین‌المللی دو طرفه نبوده است. در حال حاضر ۴۳۰ نفر در کامرون زندان هستند که وکیل ندارند. ۹۰۰ نفر تا به‌حال به قتل رسیده‌اند. تشکیلات حقوق بشر از وضع اطلاع ندارند. چون دولت، کامرون را بسته نگه می‌دارد و به‌عنوان کشوری آزاد نشان می‌دهد، در حالی که مردم تحت فشار هستند.

امریکا: عمل انقلاب، شخصی نیست که به چه کسی همبستگی اعلام کنیم؟ به بهره‌کشی مربوط می‌شود. علیه سرکوب و استثمار مبارزه می‌کنیم. ما برای ابوجمال مبارزه می‌کنیم، چون خودمان ابوجمال هستیم. نمی‌خواهیم بچه‌ها شرایطشان مانند ابوجمال شود. ما به شرایط ناعادلانه‌ای نگاه می‌کنیم که خود به خودی خاتمه پیدا نمی‌کند. برای پورتوریکو، بومیان شمال امریکا، در آسیا و حتی علیه استثمار همه حیوانات مبارزه می‌کنیم. چون کلاً علیه استثمار هستیم.

آلمان: مبارزه برای همبستگی، که برای به‌دست آوردن اطلاعات دو طرفه است، متأسفانه روز به روز ضعیف‌تر می‌شود. این امر، به‌خاطر ارگان‌های کنترل کشور نیست، بلکه فقدان همبستگی بین‌المللی گروه‌های مختلف و سبک کار خودمان است. ما خودمان را ایزوله می‌کنیم. در این بیست سال اخیر می‌بینم که بسیاری از گروه‌ها در وظایف خودشان غرق شده‌اند و به مسائل جاری جامعه اهمیت نمی‌دهند و در سایر بخش‌های مبارزه جاری جامعه فعال نیستند.

پرو: ما از طریق همبستگی بین‌المللی موفق نشدیم هیچ زندانی سیاسی‌ای را آزاد کنیم. به‌طور خاص کماندوهای سانچز می‌خواستند با گروگان‌گیری سفارت ژاپن توجه عمومی را به وضعیت پرو جلب کنند که موفق نشدند. صرفاً مسئله پرو نبود، بلکه جهانی‌سازی تمام این مشکلات بود. کماندوهای سانچز نمی‌خواستند فقط آزادی زندانیان سیاسی در پرو را مطرح کنند بلکه برای تمام دنیا بود و این قدم به جلو بود. خواسته‌های ما در اروپا خریدار زیادی پیدا نخواهد کرد.

ایران: همبستگی بین‌المللی برای آزادی زندانیان سیاسی را نمی‌توان بدون برخورد با سیستم حاکم مورد بحث قرار داد و به نتایج مورد نظر رسید. بورژوازی برای حفظ بقا خودش در مقابل مبارزه طبقه کارگر برای به‌دست گرفتن قدرت سیاسی، احتیاج به ماشین سرکوب دارد. زندان قسمتی از این ماشین سرکوب است. از کار افتادن هر قسمت از این ماشین سرکوب، به معنای ضربه خوردن به قدرت سیاسی و منافع اقتصادی بورژوازی است. از این ساده‌نگری بایستی پرهیز کرد که به مسئله زندانیان سیاسی جدا از مسئله طبقه‌ای که سرکوب می‌کند، برخورد کنیم.

با دست‌نیافتن به درک صحیح از مبارزه طبقاتی است که یک روز مسئله کردستان آن چنان مشغول‌مان می‌کند که کاملاً در آن غرق می‌شویم و حتی انحرافات آن را یدک می‌کشیم و تبلیغ می‌کنیم، و روز دیگر رفرمیسم سوسیال دمکرات‌ها آن چنان مبهوت‌مان می‌کند که به نفی طبقه می‌رسیم.

در مورد مشکلات همبستگی

به‌خاطر گروه‌های مختلفی که وجود دارد، بایستی نقاط مشترک و راه‌های مشخص عملی پیدا کنیم. آلمان: تجربیات زیاد نشان می‌دهد که همبستگی باید شکل بگیرد ولی احساسی نباید باشد. فقط تجربیات خوب را نباید در نظر گرفت. درباره انتظارات از طریق همبستگی بین‌المللی صحبت کنیم و از آن در آینده استفاده کنیم. ما باید شکل‌هایی برای این کار پیدا کنیم. بایستی در عمل همبستگی با زندانیان سیاسی را در جهان به پیش ببریم. درباره کل زندانیان سیاسی، مبارزه طبقاتی برعلیه جامعه طبقاتی و همبستگی وقتی صورت می‌پذیرد که بر علیه کل سیستم زندان در سراسر جهان باشد. این حرکت بایستی با زندانیانی سابق که در خارج از زندان هستند، در ارتباط باشد. روشن شود که برای چه زندانی شده‌اند؟ این مبارزه ما را در تمام جهان متحد می‌کند.

نظریات سیاسی با هم خیلی فرق دارند ولی با وجود این، ما می‌خواهیم رابطه‌ای ایجاد کنیم. برای مبارزه به منظور تغییر جامعه‌ای که توسط سرکوبگران اداره می‌شود. دفاع از زندانیان سیاسی به ما وحدت می‌دهد، اخبار شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و تمام کوشش‌های جهانی برای خردکردن زندانیان را می‌شنویم. ممکن نیست عکس‌العمل نشان ندهیم. چیزی برای مان باید روشن باشد: هیچ راه‌حلی از طریق داده‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل به ما نمی‌رسد. این‌ها مشکلات حکومت‌گران است. از طرف آن‌ها، انتظار هیچ نوع آزادی نداریم. چون هدف‌شان آرام‌ساختن ماست. فشار از طرف آن‌ها بر روی ما زیاد است. سال‌هاست که زندانیان سیاسی برای هویت سیاسی می‌جنگند و این در تمام جهان بوده است. فقط اعتصابات مشترک همبستگی مشترک به وجود می‌آورد.

باسک: ما به روشنی می‌بینیم که آمریکا مهم‌ترین کشوری است که اتحاد سرکوب را به وجود می‌آورد و ما با آن مبارزه می‌کنیم. اشکال مبارزاتی ما مختلف است ولی سرکوبگران جدا از اشکالی که به کار می‌برند، همگی اشان سرکوب‌گران ما هستند. اخبار درباره مبارزه در جهان، باید به همه جا برسد و این کار بدون در نظر گرفتن این امر است که شیوه تفکر سرکوب‌گران مان چیست؟ و بر علیه آن چگونه می‌توان حرکت کرد؟ باید بگوییم که ما در این جا کوشش می‌کنیم که وقتی به کشورمان رسیدیم، تعدادمان را زیاد کنیم.

کلمبیا: گرایش می‌بینیم اتحاد سرمایه بزرگ است. اتحادیه اروپا و بازار آزاد امریکای شمالی و سرمایه‌های آمریکا در افریقا سرمایه بزرگ می‌خواهند سود اضافه‌اشان بالا برود. از طریق مکانیزم‌هایی که برای توقف مبارزات برعلیه سرمایه انجام می‌شود، هر روز وزرای جنگ کشورهای بزرگ جلسه دارند که سیاست‌های دفاعی خود را قوی کنند. پاسخ سازمان‌های دمکراتیک و پیشرو در مقابل آن چه چیست؟ در مقابل اشغال سفارت ژاپن در پرو، توسط یک جریان انقلابی، آن چه که اتفاق افتاد همبستگی ارتش‌های امریکای لاتین، به‌استثنای کوبا، با دولت فوجی موری بود. این آکسیون در شرایطی به وجود آمد که بین خلق‌های امریکای لاتین رابطه وجود نداشت، عمل‌های منفرد انجام می‌گرفت. همبستگی با این حرکت منفعلانه بود، یعنی خلق‌های امریکای لاتین آن را مثبت دیدند ولی عملی انجام ندادند. این بحرانی بود که وجود داشته است. مشکلات زیادی وجود دارد که از همه مهم‌تر، مشکل تشکل بود. مشکل نبودن هماهنگی بین جریانات حقوق بشر است و فقدان آکسیون‌های مشخص، در این وضع، دولت پرو بود که برنده شد.

کردستان: همبستگی نیاز به مبادله اطلاعات دارد و در این زمینه سازماندهی جهانی ضعیف است. از طریق این سازمان‌دهی امکان کار وجود خواهد داشت. دفتر مشترکی باید وجود داشته باشد که کار همبستگی با زندانیان سیاسی را در هر کشور در دفتر خودشان انجام دهند، تا اخبار به همه جهت برسد، زنگ خطر را به صدا درآورد تا امکان یک عمل سراسری فراهم شود.

گرچه مسئله این سمینار زندانیان سیاسی است ولی زندانی سیاسی را نمی‌توان از شرایط کشورها جدا کرد و ما در اینجا یک سری تجربه کسب کرده‌ایم.

فلسطین: حق اختلاف ایدئولوژیک وجود دارد. باید روشن باشد که ما فقط خطوط مشترک همبستگی داریم. در مسیر کار با زندانیان سیاسی، نیروهای سرکوبگر بر علیه ما متحد می‌شوند. این خودش دلیلی است که خودمان نیز باید با هم متحد و متشکل باشیم. همبستگی با زندانیان سیاسی قوی کنیم. اگر نتوانستیم آن‌ها را آزاد کنیم، لاقبل برای مقاومت بیشتر اعتماد ایجاد کنیم. من به عنوان زندانی سیاسی سابق احساس می‌کنم که چقدر برای ما مهم بود. همبستگی، مقاومت مرا بیشتر می‌کرد. تجربه فلسطین بسیار به ما می‌آموزاند که وقتی همبستگی هر چقدر زیادتر می‌شود، نیروهای مان قوی‌تر می‌شوند. هیچ الترناتیوی جز وحدت وجود ندارد. پیشنهاد می‌کنم درباره پیشنهاد سابق ما بهتر است که روی خودمان یک اسم مثلاً جنبش آزادی زندانیان سیاسی بگذاریم.

ایتالیا: همه کسانی که بر علیه سیستم استثمار و استعمار مبارزه می‌کنند، درمی‌یابند که ریشه اصلی این مبارزه، سیستم بین‌المللی سازی اقتصادی جهان است. در مقابل چنین سیستمی همبستگی ما به معنی همبستگی جهانی است و این به آن معناست که باید برای مبارزه، هم در داخل زندان و هم بیرون زندان همبستگی داشت. قتل‌عام‌های پرو نشان داد که نیروهای امپریالیستی تا چه حد با هم متحد عمل می‌کنند. تصمیم قتل‌عام‌ها در نشست سران هفت کشور جهان گرفته شد. در این عملیات، ماهواره‌های امریکا به کار گرفته شده بودند. باید بی‌اندیشیم که کمبود همبستگی بین‌المللی داریم. در مقابل چنین دشمن قوی‌ای لازم نیست که اسم بگذاریم، باید عمل کنیم.

جمع بندی روزاول

۱- در مورد مشخص حقوق بشر در آمریکای لاتین، آن یک مسئله اجتماعی عام است و نه مختص مسائل سیاسی. نقطه مشترک شرایط جدید، شرایط بهره‌کشی سرمایه‌داری می‌باشد. به همراه بهره‌کشی، سرکوب و در کنار آن سرکوب پیش‌گیرانه قرار دارد که می‌خواهد مبارزات جوانان را در نقطه خفه کند. آن چه مهم است، سرکوب و کشتار افراد مشخصی می‌باشد و با آن‌ها چون دشمن داخلی برخورد می‌شود. این سرکوب‌ها در اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد و نقطه مهم در این سرکوب‌ها، چگونگی نفوذ چنین وضعی تا خصوصی‌ترین بخش‌های زندگی است. بدشدن شرایط اقتصادی در حد و میزان سرکوب تعیین کننده است. نه فقط پیشروان جامعه سرکوب می‌شوند، بلکه مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان و سایر جنبش‌های اجتماعی نیز دچار سرکوب می‌شوند. این شیوه سرکوب در کشورهای پیرامونی (تحت تسلط)، به صورت روند (Trend) و در کشورهای پیشرفته به صورت ظریف و غیر مستقیم است. شیوه‌های سرکوب از کشورهای پیشرفته به کشورهای تحت سلطه صادر می‌شود. برای مثال قوانین ترکیه امروز را می‌توان نام برد. در ترکیه قوانین زمان جنگ آلمان به کار گرفته می‌شود که مستقیماً از قوانین آلمان گرفته شده است. برای مثال در آلمان قانون ۱۲۸ آ در ایتالیا قانون ۲۷۰ و قوانین بعد از آن... یک نقطه مهم دیگر در کردستان، ایران و گواتمالا وجود دارد و آن، استفاده بخش کوچکی از مردم بر علیه توده مردم می‌باشد (برای مثال: در ایران بسیج).

البته اشکال سرکوب متفاوت بوده است. از لحاظ تاریخی، امریکا در تمامی کشورها، در امر سرکوب شریک بوده است. یک نکته اساسی برای ما این است که مسئله سرکوب از مسائل اجتماعی غیرقابل تفکیک است. علاوه بر آن، در شرایطی قرار داریم که سرمایه جهانی شده و حاصل آن به وجود آمدن مقاومت و اعتراضات است که باید سرکوب شوند. در همان حال فقر، تنگدستی و بیکاری در کشورهای متروپل رشد کرده و خود باعث رشد سرکوب می‌باشد. می‌توان شاهد فقری بود که در اقشار میانی جامعه نفوذ کرده است. سرکوب و جلوگیری از مهاجرت در اروپا به‌طور عمده توسط سازمان‌های بین‌المللی و حتی ناتو به اجرا در می‌آید. نه فقط سرمایه صادر می‌شود بلکه مدل‌های مشخص سیاسی "دمکراتیک" هم صادر می‌شود. به همین دلیل ما استثمار و سرکوب را دو روی یک سکه می‌دانیم. چنین به نظر می‌رسد که طی پروسه به‌اصطلاح دمکراتیزه‌سازی، سرکوب کم شده و از بین می‌رود. شیوه‌های سرکوب عربان کم‌تر به چشم می‌خورد. مسئله مهم در رابطه با زندانی سیاسی، حفظ هویت زندانی سیاسی است. از طرف حکومت بعضی از کشورهای عربی و آسیا میانه از جمله ایران و افغانستان و پاکستان، شیوه‌های ممتد سرکوب برای در هم شکستن هویت زندانی سیاسی به کار گرفته می‌شود. مسئله مهم دیگر، شکل مذهبی حکومت است که قبلاً در اسرائیل وجود داشته و الان در کشورهای یاد شده، خصوصاً در مورد زنان، نیز به اجرا در می‌آید. در این کشورها انسان‌ها اعم از زن و مرد و خصوصاً زنان هیچ‌گونه حقوق سیاسی و اجتماعی ندارند.

روز دوم

گواتمالا: من ماریا از گواتمالا هستیم. می‌خواهم درباره چیزی که قرارداد صلح نامیده می‌شود، صحبت کنم. من دوازده سال در مکزیک بودم و بر اساس قرارداد صلح می‌توانم به کشورم برگردم. در آن قرارداد، یک سری حقوق اجتماعی به تصویب رسیده است ولی از طرف دولت رعایت نمی‌شود. می‌خواهم در مورد آن‌ها صحبت کنم و خصوصاً در مورد زنان. زنان با وجود قرار داد صلح، از همه بیشتر آسیب دیده و می‌بینند. خشونت بر علیه آن‌ها هر لحظه بیشتر می‌شود ولی آن‌ها اصلاً قربانی این خشونت به حساب نمی‌آیند. یکی از مشکلات اساسی، مشکل زمین برای قربانیان کوچ اجباری می‌باشد. حل دیگر مشکلات، به حل این مشکل بستگی دارد. برای ساختن خانه، ما مشکل مواد ساختمانی، آب و غیره داریم. از آنجا که زنان درآمد خاصی ندارند، زمین به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. در حالی که در همه شهر مردان مبارزه را پیش می‌برند، به‌خصوص زندگی برای آن‌ها غیرممکن است. شرایط مبارزه در گواتمالا با اروپا تفاوت بسیار دارد اکثر ما بی‌سواد هستیم، امکانات پزشکی نداریم به همین دلیل شرایط ما سخت‌تر از جاهای دیگر است. با وجود این که صحبت از صلح می‌شود. اولاً دولت به این صلح جواب نداده در واقع در روستاها هنوز تضاد وجود دارد. در این قرارداد حق ملی، فرهنگی، بومیان به رسمیت شناخته شده و جزیی از قرارداد و رفرم قانون اساسی است ولی تا به حال اقدامی در این مورد نشده و می‌توان گفت فایده‌ای نداشته است و کمسیون‌های تشکیل شده در مجلس بیشتر در رابطه با زمین و آموزش و پرورش بوده است. در آخر باز تاکید می‌کنم که شرایط ما با شما در اروپا خیلی فرق دارد.

ترکیه: انسان حقوق بشر (حق لاری) داشتن قانون و زندگی کردن حق هر انسانی است. صلح فقط بین کسانی می‌تواند امضا شود که جنگ می‌کنند. به‌عنوان کسانی که در رابطه با حقوق بشر کار می‌کنیم. هیچ‌کدام از این‌ها را قبول نداریم اما می‌توانیم بگوییم که هدف نیروهایی که مبارزه مسلحانه می‌کنند، باید صلح باشد. همان‌طور که زندانی سیاسی ایرانی گفت در جنگ مسئله اجتماعی خیلی مهم است. اما وقتی شرایط اجتماعی صلح نباشد، دست‌یابی به صلح خیلی سخت خواهد بود. آرام‌کردن شرایط ترکیه به امریکا بستگی دارد. به‌جرات می‌توان گفت: اگر آمریکا بخواهد، می‌تواند در عرض یک ماه در ترکیه صلح به‌وجود آورد. اگر آمریکا بخواهد می‌تواند در مدت خیلی کمی در خاورمیانه صلح به‌وجود آید. پ.ک.ک. سه بار آتش بس در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ و ۹۸ اعلام کرده است و ما آتش بس را شرط اول مذاکره و صلح می‌دانیم. در حال حاضر اگر کسی در ترکیه صحبت از آتش بس کند، دولت ترکیه او را دستگیر می‌کند. ما خودمان را از جریاناتی که مبارزه مسلحانه می‌کنند، حمایت نمی‌کنیم ولی آن‌ها را هم تروریست نمی‌دانیم. ما فکر می‌کنیم که اگر دلایل مبارزه مسلحانه را برنذاریم، مبارزه از بین نخواهد رفت. اما باز هم آروز می‌کنیم اگر مبارزه‌ای باشد. مبارزه بدون اسلحه باشد.

ایتالیا- کمیته هماهنگی برای آزادی ابوجمال: محدودیت‌هایی که امروز خود را در رابطه با اعلامیه طرح شده خود را نشان داده‌اند، محدودیت‌هایی هستند بالفعل، که با آن طرف هستیم. باید با آن برخورد شود. مبارزه در اروپا و آمریکای لاتین با کشورهای دیگر فرق دارد اما یک خط سرخی همه آن‌ها را به هم وصل می‌کند. تجاربی که دیروز در مورد آن‌ها صحبت کردیم. تفاوت‌ها و نزدیکی‌ها را نشان داد. اگر ما از یک کشور بودیم. شاید این اختلافات و مشکلات را نداشتیم. ولی امروز باید قدم‌های انترناسیونالیستی برداریم. به آن‌ها برخورد کنیم. وقتی سرمایه‌داران در سطح جهانی توسط گلوبالیزاسیون خود را متحد می‌کنند تا طبقات دیگر را سرکوب کنند، ما هم باید راهی پیدا کنیم، تا مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و دیگر مبارزان را به انحاء مختلف سازمان دهیم. بنابراین، گمان می‌کنیم که محدودیت‌های امروز در سطح بین‌المللی و شمال قابل از میان برداشتن هستند. ما نمی‌توانیم چگونگی مبارزه در کشورهای اطراف را تعیین کنیم ولی می‌توانیم مبارزه خود را شرح دهیم. ما باید از خود انتقاد کنیم و باید یاد بگیریم که با چنین مشکلاتی روبرو شویم. این کار به این مفهوم است که باید مشکلات را درک و برای حل آن‌ها حرکت کنیم. این نقطه حرکت ما باشد ولی نه هدف ما. باید نقطه مشترکی را با توجه به اختلافات و اشتراکات و نکات مثبت و منفی خود را به‌دست آوریم و با این مشکلات دیالکتیکی برخورد کنیم و این نکات مشترک را برای مبارزه مشترکمان انتخاب نماییم.

پلنگان سیاه از امریکا: می‌خواهم در مورد پلنگان سیاه صحبت کنم که سی سال است که خیلی از آن‌ها در زندان هستند. به‌علاوه آن‌ها مومیا ابوجمال که در اتاق گاز، منتظر مرگ است. پلنگان سیاه یک سابقه کوتاه و درخشان قبل از نابود شدن‌شان به‌دست پلیس آمریکا داشتند. بدون آن که کسی از آن‌ها حمایت کند. تقریباً تمامی عمر خود را در زندان می‌گذرانند. چون این‌ها تهدیدی بر علیه امریکا هستند. در کنار پلنگان سیاه جریانات دیگر هم در زندان هستند که متعلق به بومیان امریکا هستند، که در زندان‌ها هم‌بستگی خود را با پلنگان سیاه اعلام نموده‌اند. ممکن نیست در مورد حکم اعدام صحبت کرد، بدون این که در

مورد نژادپرستی و خشونت پلیسی حرفی زده باشیم. اکثریت بزرگ محکومان در امریکا، سیاه‌پوستان و اهالی امریکای لاتین هستند. در خیابان‌ها سیاه‌ها و رنگین‌پوست‌ها توسط پلیس به قتل می‌رسند، بدون این‌که آبی از آب تکان بخورد. می‌خواهم در مورد قتل یک جوان مهاجر غنائی به نام ابودیا مویک به شما بگویم که بدون این‌که مرتکب جرمی شود، در خیابان توسط شلیک ۴۱ گلوله به قتل رسید. این موضوع نشانه حکومت نژادپرستانه است. روشی است که در محلات سیاه‌پوست‌نشین و مهاجر به کارگرفته می‌شود. قانونی هست که به پلیس اجازه می‌دهد تا وارد محلات سیاه‌پوست‌نشین شود و هر کسی را که می‌خواهد، دستگیر و یا بکشند. این‌ها از طرف خود پلیس محلی حمایت می‌شوند. هر ساله دو هزار نفر توسط پلیس کشته می‌شوند. اگر در ده سال اخیر به آمار نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که از طرف پلیس امریکا بر علیه سیاه‌پوستان یک نسل‌کشی مداوم و هدف‌دار دنبال می‌شود. حزب پلنگان سیاه در دهه ۶۰ به وجود آمد تا بر علیه خشونت پلیس بجنگد. توسط پلیس ضدشورش هم از هم پاشیده شد. برنامه ضدشورش در سال‌های ۶۰ و ۷۰ بر علیه نیروهای، به خصوص نیروهای چپ و سیاه به وجود آمد. من، در زندان فدرال آمریکا بودم که در سال ۱۹۶۹ در برلین دستگیر و از این‌جا به امریکا فرستاده شدم. تا سال ۱۹۸۴ به مدت ۱۵ سال در زندان بودم. ما باید جنبشی بین‌المللی درست کنیم که در جاهای مختلف بخش ملی داشته باشد و هر بخش سخن‌گوی خود را خواهد داشت. این سازمان باید یک زنجیره از سازمان و گروه‌های خود مختار باشد. هر منطقه باید یک کمیته رهبری و یک سخن‌گو داشته باشد. در کنار جریان حقوق بشری یک تشکیلات عملی موزد نیاز است. اگر در گواتمالا یا هر جای دیگر اتفاقی پیش آمد، در کنار کار خود، به آن هم بپردازد. در کنار آن می‌توانیم نظر رفیق کلمبیائی را برای داشتن یک نشریه جهانی تأیید کنم. در سال ۷۰ یک نشریه به نام هیرتاک (کمک من به یک زندانی) در آمستردام در می‌آمد و در زندان به دست ما می‌رسید. کارش در مورد زندانیان و اخبار زندانی‌هایی بود که اسم‌شان در هیچ جایی شنیده نشده بود و یا حتی دادگاهی هم نشده بودند. من یکی از آن‌ها بودم و شعارهای آن نشریه این بود: کمک به یک زندانی و مقاومت در مقابل کمیته شکنجه.

آری من یکی از آن‌ها بودم. ده ماه در ایزولاسیون بودم و حق نوشتن هیچ‌نامه و تماسی با بیرون را نداشتم. هیرتاک امکان مطرح شدن مسئله من را به وجود آورد. شدیداً امید دارم که پس از رفتن از این سمینار یک پاسخ عملی در دست داشته باشم و در غیر این‌صورت ما شکست خورده‌ایم.

والاسکو از پرو: من مسئول توپاک‌آماروا در اوپا هستم، به نظر سازمان ما، صلح بدون شرایط اجتماعی آن به وجود نخواهد آمد. در اینجا اسلحه است که سکوت می‌کند و سلاح و آتش پلیس و دولت هم‌چنان قربانی می‌گیرد. امروز صحبت رفیقی از گواتمالا را شنیدم و مفهوم صلح بین ا.ر.د.گ. و دولت را دیدیم. شخصاً فکر می‌کنم صلح و سازش السالوادور به نفع کی بود؟ در این کشورها صلح به نفع سرمایه‌دارها شد. ملت بی‌ریشه شده‌ای در گواتمالا به کشور خود برگشتند و این نیروهای کار ارزان هستند. طبقه سیاسی حاکم بعنوان کارگزاران دولتی هستند. کارگزارانی که می‌توانند در کارخانه‌دار و مدیر سازمان‌های دولتی باشند. ولی هم‌چنان عدم عدالت حکم فرماست. این همان چیزی است که خشم را به وجود می‌آورد. هم‌چنان به خواست کارگران با خشونت جواب می‌دهند. صلحی را که برای بخشی بزرگی از بشریت می‌خواهیم و برایش مبارزه می‌کنیم، مبارزه‌ای است برای یک زندگی انسانی، برای کارگران، زحمتکشان و دهقانان. مبارزه برای برابری بین انسان‌ها و از بین بردن نژادپرستی. این چیزی است که نه نئولیبرالیسم در آمریکا می‌دهد و نه در اروپا. می‌خواهم به عنوان یک پروپی از امریکای لاتین، یک انتقاد برادرانه را مطرح کنم و آن این است که به واقعیت‌های امریکای لاتین برخورد نشده و در بحث گنج‌ناییده نشده است. به عنوان توضیح گفته شده که قرار بود یک رفیق کرهای بحث آزادی داشته باشد و چون او در جلسه حاضر نشده، بحث امروز را که دولت‌های اروپایی در آلمان اقدامات پیشگیرانه‌ای به وجود می‌آورد باشد. با وجود شرایط خاص اقتصادی کره، کره نماینده شمال است، نه جنوب. پرو، کلمبیا، السالوادور و... جنوب هستیم. امروز طبیعی است که احساس کنم مورد تبعیض قرار گرفته‌ام. اگر شمال می‌خواهد راجع به اروپا صحبت کند، دیگر جلسه‌ای در رابطه تمام زندانیان دنیا نگذارید... من فکر می‌کنم پایه‌های اساسی هر رابطه احترام متقابل است.

در مورد وضع پرو باید بگویم که امروزه کارگران و زحمتکشان تمامی حقوق خود را از دست داده‌اند. این مسئله به خاطر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در پرو گسترش یافته است. امروزه کارگران برای زنده ماندن، اگر بتوانند کارگیر بیاورند، باید ۱۸ ساعت کار کنند. حق سندیکایی تنها برای کسانی که کار ثابت دارند معتبر است. چون در پرو کار ثابت خیلی کم است، تعداد کارگران سندیکایی هم کم می‌باشد. ۸۰ درصد کارگران بیکارند. این هیچ چیزی نیست مگر خشونت سازماندهی شده. دولت حتی به نیازهای بهداشتی جامعه جواب نمی‌دهد. به خاطر نبود بهداشت، روزی ۲۰۰ کودک و در سال ۱۳۰۰۰ کودک پروئی می‌میرند. وقتی ملت را به خاطر رنگ پوست به بعضی مکان‌ها راه نمی‌دهند، وقتی دهات‌ها را با ده هزار ارتشی محاصره

می‌کنند و همه اهالی را ساعت ۳ صبح در یک جا جمع می‌کنند تا نیروهای نفوذی (مبارزین) را پیدا کنند. این‌ها جزیی از مسائلی است، که در پرو اتفاق می‌افتد و چیزی جز خشونت سازماندهی شده نیستند. در پرو حدود ۵ هزار زندانی سیاسی وجود دارد که شرایط غیرانسانی بر آن‌ها حاکم است. در سلول‌های یک متری به ارتفاع ۲/۵ متری و در آن یک تخت سیمانی هست. در چنین اتاق‌هایی ۲۳ زندانی سیاسی زندگی می‌کنند. این سلول‌ها در یادگان‌های نظامی در عمق ۸ متری زمین ساخته شده‌اند و هر نوع گفتگو و صحبت با آن‌ها ممنوع و غیرممکن است. به لحاظ دید و شنوایی ایزوله مطلق هستند. آن‌ها از سال ۱۹۹۲ تا به حال در این زندان‌ها هستند. در پرو یک ترور دولتی وجود دارد. اما در مقابل، مردم هم خود را سازماندهی کرده و برای حقوق خود مبارزه می‌کنند. یک ملت سازماندهی شده. وقتی سرمایه‌داران سندیکای خود را دارند و برای سرکوب همین سازمان‌دهی توده‌ای خود را سازمان داده‌اند و به صورت انتخابی رهبران را دست‌چین، زندانی و اعدام می‌کنند. گاهی، اهالی یک دهکده را دستگیر کرده و آن‌ها را می‌ترسانند.

۵۰۰۰ زندانی سیاسی یاد شده در بالا بیشتر رهبران سیاسی جریان‌ها و جنبش‌های کارگری و دانشجویان هستند. امروز ما سعی می‌کنیم، خود را بر فراز این سرکوب‌ها ارگانیزه کنیم ولی خیلی سخت است. چون مثل همیشه آن‌ها، سران همبستگی و جریان همبستگی زندانیان سیاسی و خانواده آن‌ها را دستگیر کرده‌اند.

آرژنتین: روشن است که تئولیرالیسم یقه همه را گرفته است و استثماران می‌کند. فقر را دامن می‌زند و سرکوب را همگانی کرده است. این کار را تمامی سرمایه در کل جهان انجام می‌دهد و طبیعی است که مبارزه علیه آن هم باید متحده باشد... ما باید کاری کنیم که پس از این نشست ارتباط و رابطه‌ای قوی‌تر و محکم‌تری داشته باشیم.

ایران: فکر می‌کنم بوروکراسی که در آلمان وجود دارد به نوعی در روشنفکران آلمان هم عمل می‌کند. موضوع پیشنهادی برنامه از طرف دوستان آلمانی و اصرار روی آن عجیب است. شکل مبارزه در کشور من یا ترکیه، یا امریکای لاتین یا شکل مبارزه در اروپا فرق دارد و همین طور شکل سرکوب. در کشورم سرکوب به شکل عریان و وحشیانه وجود دارد. مذهب هم به مدد سرمایه‌داری آمده است. موافق صحبت‌های دوستان ایتالیایی در مورد قدم‌های انترناسیونالیستی هستیم. ولی باید به آن اضافه کنیم که این قدم‌های انترناسیونالیستی باید ماهیت طبقاتی داشته باشد. این انتقاد را هم به ولاسکو دارم که مبارزه طبقاتی تنها در امریکای لاتین نیست، بلکه هر کجا طبقه‌ای و دولتی وجود دارد و هر کجا بهره‌کشی هست، این مبارزه وجود دارد. مبارزه طبقاتی به شکل‌های مختلف به پیش می‌رود و تنها مبارزه مسلحانه نیست. شکل مبارزه یا توجه به شرایط خاص آن کشور بستگی دارد. می‌خواهم به دوست ترکیه بگویم که از زمانی که دولت‌ها و حکومت‌ها برای حمایت از منافع طبقه حاکم زندان ساختند و سرکوب نمودند و برای کشتار انسان‌ها دست به اسلحه بردند، لزوم دفاع از خود و حتی با اسلحه به وجود آمد. اگر این لزوم که همان وجود طبقات و دولت طبقاتی می‌باشد، از بین نرود، مبارزه از طرف محکومان اگر چه با اسلحه، بر حق و درست می‌باشد. امروز تمامی سرمایه‌داران و دولت‌های سرمایه‌داری برای سرکوب مقاومت، و بهره‌کشی بیشتر انسان‌ها با هم متحد شده‌اند. در حقیقت سرمایه‌داری بین‌المللی شده و باید ما هم بایستی روابط انترناسیونالیستی خود را به وجود بیاوریم. اما این تشکلهای طرف مناسبی برای این مبارزه نیست، هدف ما باید در هر کشوری نشانه رفتن به روی حاکمیت و از بین بردن دولت سرمایه‌داری باشد و تا زمانی که این دولت‌ها سر کار باشند. باز هم زندان و اعدام و سرکوب خواهد بود.

کلمبیا- حزب کمونیست: اولین مسئله این است که ما از همه کشورها مثل کلمبیا، آرژانتین، کردستان ترکیه و دیگر کشورها، در این جا جمع شده‌ایم که برای رسیدن به وحدت نظر بیشتر تلاش کنیم.

دومین مسئله شکل مبارزه است که در پیش داریم. در کلمبیا مبارزه برای عدالت اجتماعی به وحدت رسیده است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، برای همین دو خط موازی هم پیش می‌رود. یک مبارزه و دوم مذاکره. پروسه مذاکره بین دولت و چریک‌ها برای این نیست که مبارزه به پایان برسد. زیرا اگر امروز قرار داد صلح هم اجرا شود. فردا شخص دیگری اسلحه دست می‌گیرد و چریک می‌شود. این تجربه در ۵ سال گذشته به دست آمده است و برای همین ما سعی می‌کنیم تمام مشکلات به صورت پایه‌ای حل شود. برای همین چریک کلمبیایی به دولت گفت، اگر یک قرار داد صلح امضاء شود. او اسلحه را زمین نخواهد گذاشت. چرا که سازش و سلاح تنها گارانتی صلح هستند. نمی‌خواهیم تجربه گروه‌هایی که در السالوادور و دیگر کشورهای امریکای لاتین اسلحه خود را تحویل داده‌اند، دوباره تجربه کنیم. اگر چه تصور می‌کنیم که پاسخ مشکلات فقط تظاهر کردن نیست. می‌خواهیم بدانیم که سرمایه بزرگ ملی و بین‌المللی می‌خواهد سود جنوب را پائین بیاورند و با زمین‌داران بزرگ، زمین خود را بین دهقانان تقسیم می‌کنند. هم‌چنین کسانی که ریاست دولت را به دست دارند، بخشی از حقوق ریاست خود را از دست می‌دهند. آیا حکومت و ملت پروسه واقعی دموکراسی را از سر می‌گذرانند؟ اگر این چنین هست، شرایط صلح برقرار است. به عنوان پشتوانه عدالت اجتماعی را در پشت سر دارد. جلوی قتل‌عام نژادی را می‌گیرد. در کلمبیا برای آزادی

زندانیان سیاسی جنبش واقعی وجود دارد. از طرفی زندانی‌هایی داریم که مربوط به جنبش مسلحانه می‌شوند و از طرفی دیگر زندانیان احزاب سیاسی قانونی و سندیکایی. شورشیان هم خود ۴۰۰ زندانی نظامی از دولت دارند. جریان چریکی به دولت اعلام کرده است که از آن‌ها به عنوان زندانیان جنگی استفاده خواهد کرد و قرارداد ژنو در مورد این اسیران جاری خواهد شد. به همین دلیل خواهان تعویض زندانیان هستیم و در همان حال عملیات خود را برای آزادی زندانیان سیاسی انجام می‌دهیم. در سال ۱۹۹۸ عملیات نظامی برای آزادی زندانیان سیاسی انجام شد که در مجموع ۲۰۰ نفر آزاد شدند. یک‌ماه پیش چریک‌ها به زندان مرکزی استانی در جنوب کشور حمله کردند و ۲۵ زندانی دیگر آزاد شدند. از سوی دیگر، سازماندهی در داخل زندان صورت می‌گیرد. برای مبارزه و رفع قوانین قضائی که امر آن مبارزه را خود زندانیان به دوش می‌کشند. برای از بین بردن موانع ملاقات و سوءاستفاده از زندانیان، در بیرون زندان تشکیلاتی از طریق خانواده‌ها و دوستان زندانی تشکیل شده و این تشکیلات در روزهای پنجشنبه هر هفته، در هر شهری تظاهراتی ایستاده برگزار می‌کنند. در حال حاضر در کلمبیا ۴۵۰۰۰ زندانی وجود دارد که ۲۰۰۰ نفر آن‌ها زندانی سیاسی هستند. به همین دلیل برای آن‌ها خیلی مفید خواهد بود که در سطح بین‌المللی، یک تشکیلات بین‌المللی برای آزادی آن‌ها مبارزه کند. همبستگی مردم بسیار زیاد است و تشکیلات‌هایی که امکانات بیشتری دارند، بار بیشتری به گردن آن‌ها می‌افتد. می‌دانیم که زندانیان بعضی از کشورها به فراموشی سپرده شده‌اند. به همین دلیل ما باید همبستگی را اجتماعی کنیم و در هر اکسیون در مورد دیگر زندانیان سیاسی حرف بزنیم و هیچ امکانی را برای آزادی زندانیان سیاسی از دست ندهیم. از اکسیون‌های و کنفرانس‌های امروز تا کارهای حقوقی و تظاهرات توده‌ای. فکر می‌کنیم در مقابل سرمایه بین‌المللی و سیاست نئولیبرال، به عنوان پاسخ، باید مبارزه زحمتکشان را یک دست کنیم.

ایران: امروز رفقای گواتمالایی و کلمبیایی صحبت از صلح بین نیروهای سیاسی و دولت خود حرف زدند. من فقط به عنوان تذکر چند مورد مشخص صلح را در کشورهای مثل السالوادور، نیگاراگوئه، گواتمالا و فلسطین را مثال می‌زنم که در آن‌ها بین نیروهای مبارز سیاسی و دولت صلح و مذاکره انجام شده است. یادآور می‌شوم که در همه آن‌ها بازنده اصلی جریان‌های سیاسی و مبارز بودند. صلح با دولت‌های سرمایه‌داری و ضدانقلابی چاره کار نیست. معمولاً موقعی دولت‌ها به پای میز مذاکره می‌آیند که در موضع ضعفی قرار دارند. در حقیقت مذاکره و صلح برای ضربه‌زدن به نیروهای انقلابی فرصتی به آن‌ها می‌دهد. فکر می‌کنم صلح با این دولت‌ها ما را به جایی نخواهد رسانید، ما باید به فکر چاره زیربنایی باشیم و آن چیزی نیست جز سرنگونی این دولت‌ها و برقراری حکومتی از نوع دیگر.

گزارش روز یکشنبه ۴ اپریل

پیشنهادات

نماینده کردستان: موافق روز جهانی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی هستیم.

- مرکز تبادل اطلاعات برای‌مان مهم است که با هم مبادله افکار کنیم.

- بایکوت تور بیسم مثلاً در کشورها و مناطقی که حکومت مردم بومی را مورد سرکوب و آزار قرار می‌دهد.

- گزارش ماهانه اخبار دستگیر‌ی‌ها شکنجه و حقوق بشر و وضعیت زندانها در اینترنت داده شد.

نماینده آلمان ۱: نیاز به اخبار و اطلاعات متفاوت داریم. فکر می‌کردم زیاد اطلاعات دارم و همیشه فکرم این بود که اطلاعاتم را چطور عملی کنم اما فکر می‌کنم که این کنفرانس نظرم را تغییر داده است خیلی در مورد کشورها و سازمان‌ها می‌خوانی، اما هیچ چهره و سیمایی نمی‌بینی. اما وقتی آدم‌ها را می‌بینی رابطه‌ای دیگر پیدا می‌کنی من فکر می‌کنم در این کنفرانس این شرایط حاکم است برای این که وقتی تو با رفقایت نشستنی اخبار را یک جور دیگر می‌خوانی و تفسیر می‌کنی خیلی از کشورها کمبود اطلاعات دارند، بنابراین فکر می‌کنم به این امر توجه کنیم که مبادله اخبار خیلی مهم است.

- برای ما، مسئله دیگر مسئله ظرفیت است باید از طرفی شروع به کار کنیم. توجه داشته باشیم که کار آماده‌سازی کنفرانس چقدر سخت است، از طرفی بالاخره بایستی حرکت کنیم و به اهداف بلند مدت برسیم.

نماینده آلمان ۲: - باید مکانیزمی پیش‌بینی کرد که چه بلایی برسر این اطلاعات خواهد آمد. مبادله اطلاعات به تنهایی کافی نیست باید از این اطلاعات نتیجه‌گیری کرد. توان سازمان‌های محلی هم خیلی کم است. در حال حاضر [۱۹۹۹] مصاحبه‌هایی با روزنامه‌های آلمانی می‌شود.

پیشنهاد ما این است که بر اساس آن چه موضوعیت دارد، باید عمل کرد. مثلاً در حال حاضر محکمه اوجلان و همین طور ابو جمال مطرح است. واقعا چه می‌توان انجام داد؟ وقتی صحبتی از برنامه یا حرکتی می‌شود، موضوعی که کمبود آن احساس

می‌شود این است که برنامه‌ریزی براساس تخمینی واقعی از شرایط فعلی صورت نمی‌پذیرد، پرسش اصلی این است که با نیروهای موجود چه چیزی قابل انجام است؟

نماینده پرو: ۲۳ آپریل، روز قتل‌عام کماندوهای پرو در سفارت ژاپن است. هیچ گونه حمایتی از زندانیان سیاسی نشده است اما از مبارزات آن‌ها حمایت کنیم و این سیستمی که ۲۳ ساعت در سلول هستند را بشکنیم.

- مسائل ما با رفقای ایران، کردستان و کلمبیا مشترک است. ما هم نمی‌توانیم وارد اینترنت شویم. امیدواریم بعد از کنفرانس، این آخرین [کنفرانس] نباشد و بار دیگر هم دوباره از صفر شروع نکنیم و بیشتر پیش برویم. خوشحالم که درباره رفقای زندان‌های سیاسی گفته شد، حتی در مورد رفقای بولیوی که این جا نیستند.

نماینده آرژانتین: در مورد هماهنگی اطلاعاتی، مثلاً در مورد اوجلان، شبیه به این مورد در سه سال پیش اتفاق نیز افتاده است. یکی از اعضای گروه‌های سیاسی، توسط دستگاه امنیتی مکزیک دزدیده شد و علی‌رغم تقاضای پناهندگی، او را به آرژانتین پس فرستادند. این قضیه از طرف یک جریان حقوق بشر دنبال شد و ما در این مورد شکست خوردیم چون هیچ گونه همبستگی از سایر کشورهای امریکای لاتین نداشتیم و او به اید محکوم شد. تشکیل یک سازمان هماهنگ‌کننده از هر زمان دیگر ضروری‌تر است.

مارتین از طرف کمیته برگزارکننده: همه پیشنهاداتی که داده شده است خوب و مهم است. اطلاعات و هماهنگی درباره آن مهم است. در مورد رفقای باسک که کلمه اجرایی را مطرح می‌کنند که دیگر نیست و قدرت اجرایی بیانگر مبارزه است و بیانگر نیاز همکاری بین المللی است. فکر می‌کنم که ضرورت‌ها باید انجام شود و برای بعضی‌ها در کشورهای فقیر که می‌گویند اطلاعات ما زیاد و یا کم هست، مسئله این نیست که کی اطلاعات لازم دارد، مهم این است که با این اطلاعات چه می‌خواهید بکنید؟ سطح اطلاعات در کردستان و آلمان متفاوت است. قبل از پیشنهاد مشخص، در مورد ساختار تشکیلاتی آن سازمان باید فکر کرد.

از واقعیت آلمان بگویم. ما از شما حمایت می‌کنیم ولی کار زیادی وجود دارد. واقعیت جنبش مقاومت این است. این خطر هم وجود دارد که کمیته همبستگی تبدیل به چیزی شود که ما می‌خواهیم نشود. ما کنفرانس را گذاشتیم که کسی قدم اول را بردارد و آن را ارگانیزه کند.

نماینده ایتالیا: دو نیاز وجود دارد. اولین نیاز ما این است که بعضی‌ها اخبار می‌خواهند، سازمان می‌خواهند و مسئله دیگر این‌که از آن جایی که از شرایط گوناگون سیاسی می‌آییم، یک دست نیستیم برای این‌که نقطه شروعی برای پیشنهادها بدهیم تمایل داریم در مورد ساختار و تشکیلاتی صحبت کنیم. با توجه به شرایط عینی موجود نظر بدهیم که چه تشکیلاتی می‌خواهیم و مواردی را در دستور کارمان بگذاریم.

نماینده ایران: در مقابل شبکه تبلیغاتی بورژوازی که افکار عمومی را در جهت منافع خود به‌باران تبلیغاتی می‌کند، بایستی بتوانیم شبکه حداقلی را به‌وجود آوریم برای رساندن اخبار واقعی به افکار عمومی، در هر جایی که امکانش هست، بایستی در راه‌اندازی و گسترش این شبکه بکوشیم.

نماینده ایتالیا: پیشنهادهای مختلفی ارائه شده است. اطلاعات باید متنوع، ساده و مشخص باشد. بایستی یک شبکه ساده برنامه‌ریزی کرد و با یک تنظیم ماهواره‌ای در داخل کشور، در مورد شرایط ضدانقلاب و سرکوب برنامه پخش کرد.

نماینده آمریکا: موافقم که از اینترنت استفاده کنیم ولی در مورد ضرورت یک فهرست بین‌المللی و یک دفتر مرکزی فکر می‌کنم که یک دفتر بورکراسی دیگر به وجود می‌آوریم. درباره این مسئله که چگونه به دشمن ضربه مالی بزنیم، رفقای ایتالیا بایکوت توریسم را مطرح کردند که سازمان‌هایی که کنفرانس‌هایشان را در آمریکا اجرا می‌کنند مورد بازخواست قرار دهیم که چرا کنفرانس‌هایشان را در آن جا اجرا می‌کنند؟ در حالی که توریسم از نظر آمریکا مهم نیست. اهمیت واردات و صادرات کالا مهم است. پول وسیله خوبی است برای رد و بدل کردن اطلاعات سیاسی ولی ما احتیاج به اطلاعات از کشورهای مختلف داریم، متأسفانه نمی‌توانیم یک کار عملی برای همه شرکت‌کنندگان که قابل اجرا باشد انجام دهیم.

نماینده آلمان: با این اطلاعات چه می‌خواهیم بکنیم؟

نماینده کلمبیا: یک ضرب‌المثل در زبان ما می‌گوید، امروز برای من و فردا برای تو برای ما، مبارزه برای آزادی، برای ادامه زندگی و اطلاعات محسوب می‌شود. اطلاعات ما در مورد کشورهای دیگر کم است و به همین دلیل احتیاج به مرکز اطلاعات داریم.

جهانی‌شدن سیستم اطلاعاتی که در دنیا و سیاست جهانی تشکیلاتی ایجاد کرده است، بدنبال چنین جهانی‌شدنی، سرکوب و فشار است. ما باید در کشورهایمان، مراکزی را تحت فشار قرار دهیم که ارتباطشان را با کشورهای سرکوب‌گر ادامه می‌دهند. یک متد در سوئد انجام شده است بایکوت مک‌دونالد و نوشابه‌های آمریکایی است. نماینده باسک: ایده‌های زیادی ارائه شده است. وقتی از واقعیت جامعه خودم و سازمانی که در آن فعالیت می‌کنم، حرکت کنیم، به نظرم، جنبش باسک نقشی بین‌المللی برای خودش به وجود آورده است که از وضعیت زندانیان خودشان همه را مطلع کنند. در این کنفرانس مهم نیست که ملیت و نژاد شرکت کننده چیست. ما هیچ ابزار سیاسی‌ای نداریم و باید از این کنفرانس، تشکل و یا نطفه‌ای از این تشکل را به وجود آوریم. باید افراد بیشتری از کسانی که در حال حاضر در کنفرانس هستند، با این مجموعه همکاری داشته باشند. چنین تشکلی بایستی دارای سه مشخصه باشد:

۱- اترنالیونال

۲- ابزاری باری کننده

۳- ابزار اجرائی.

نماینده آلمان: ۱- پیشنهاد کار مشترک مانند ۸ مارس

۲- مرکز هماهنگی از دفتری که موجود هست نمیتوان استفاده کرد.

۳- در مورد این که زندانیان سیاسی از امکانات وسایل ارتباط جمعی برخوردار نیستند و می‌توانم که از امکاناتی که دارم زندانیان سیاسی آلمان از امکان مصاحبه برخوردار باشند. (مجموعه روزنامه نگاران)

نماینده آلمان: پیشنهاد این است که ارگان سراسری منتشر شود که یک بار در سال بتوانیم اطلاعات از کشورهای مختلف در این ارگان انتشار دهیم. این اطلاعات را در یک کامپیوتر مرکزی ثبت شود. می‌توان این نشریه را فعالین هر کشور، به زبان خود منتشر کنند.

کنفرانس‌های بین‌المللی و یا در سطح قاره‌ای ایجاد شود.

می‌توان شبکه‌های ارتباطی مشخصی به وجود آوریم. برای نمونه، شبکه ارتباطی زاپاتیست‌ها که سعی شد در مناطق مختلف ایجاد شود.

باید روشن کنیم که با شبکه‌های مختلفی که وجود دارد، چکار باید کرد و مرزبندی‌هایمان چیست؟

نگاه کنیم که شبکه‌های ارتباط در کجاست؟ شبکه‌های کشورهایمان را داشته باشیم و بر آن پایه، شبکه‌ای بین‌المللی به وجود آوریم.

نماینده پرو: کارهای زیادی می‌توانیم انجام دهیم. حداقل‌هایی که از طریق ایجاد کنفرانس مطبوعاتی بزرگ در مورد شرایط کشورهای مختلف (و نه این که فقط از کشورهای مشخصی)، صحبت بشود. به طور مثال در این کشورها گروه‌ها درباره کشور خودشان گزارش دهند. از طریق اینترنت، می‌توانیم از شرایط زندانیان سیاسی صحبت کنیم.

نماینده پورتویکو: پیشنهادات ما به این قرارند:

- یک نشست رسمی در شهری که امکان مالی آن را ایجاد کرده باشیم

- کمیته تدارکاتی که زمانی که مثلاً در پورتویکو یک آکسیون باشد در جای دیگر هم چنین آکسیونی باشد

- کمیته مطبوعاتی که اطلاعات را پخش کند که نه تنها در کشور خودمان مطالب در روزنامه چاپ شود بلکه در سرتا سر دنیا درج شود

- ضرورت مبادله اخبار که یک بخش از همین کار کمیته مطبوعاتی است.

نماینده ایتالیا: مشکلاتی که مطرح می‌کنیم به این معنی است که صد در صد عمل کنیم، با توجه به شرایط موجود حرکت کنیم که کی هستیم و آیا مکانیزم‌هایی مثل کامپیوتر تحقق‌پذیر هستند یا نه؟ یعنی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس نظرسنجی کنیم. این امکان می‌تواند در آینده زیادتر بشود و می‌تواند واقعی‌تر باشد. از تشکل‌های موجودی که بتوانند از این شکل برای عمل استفاده کنند، می‌توان کمک گرفت. ما نیازی نداریم که تشکل در تشکل ایجاد کنیم. کارهایمان و تصمیماتمان باید تا آن جایی باشد که امکان آن موجود باشد.

نماینده ایران: در مورد شبکه اینترنت، این امکان در ایران تحت کنترل است. به‌طور کلی تماس با زندانیان سیاسی برای امنیت و زندگی آنان خطرساز بوده و به‌دست آوردن اطلاعات موثق در مورد ایران دشوار است. برای زندانیان سیاسی سابق ایران تقریباً غیرممکن است که از ایران به این جا بیایند و در چنین کنفرانس‌های شرکت کنند و مجدداً به ایران باز گردند.

انتقاد نماینده ایران از کمیسیون: موضوع کنفرانس همبستگی جهانی است ولی متأسفانه، در تمام مدت مذاکرات، هر کشوری سعی می‌کند مسائل ویژه خودش را برجسته کند. برجسته کردن کردستان و باسک و در حقیقت تقویت احساسات ناسیونالیستی می‌باشد که در پشت آن سرمایه‌داری سنگر گرفته است.

نماینده آلمان: پیشنهادات ارائه شده را به این ترتیب جمع‌بندی می‌توان کرد:

۱- پیشنهاد کنفرانس بین‌المللی که باید ابتدا مصوبات این کنفرانس را به رفقای دیگر در کشورهای دیگر بگوئیم و کنفرانس بعدی را در سال دیگر برگزار کنیم.

۲- روز بین‌المللی مبارزه که باید تاریخ مخصوص خود را داشته باشد و فکر می‌کنم روز جهانی مخصوص مخصوص اروپا نباشد.^۱

۳- یک کمیته بین‌المللی درست شود که درباره روز مبارزه به نتیجه برسد.

نماینده کلمبیا: دیروز دستور جلسه آستی و رهایی بود که در مورد آن پرداخته نشد.

نماینده باسک: چرا ما نباید بحث جداگانه درباره ایران و باسک داشته باشیم.

نماینده کلمبیا: از آن جایی که با مسئله موافق نیستند مجبور نیستند که به اجبار مسئله را مطرح کنند.

جمع بندی:

۱- اطلاعات: همه موافق هستند که شکلی از سازماندهی برای انتقال اخبار لازم است. به علت شرایط گوناگون در کشورهایی مختلف، نیاز به اینترنت یا رسانه چاپی می‌باشد که در این ارگان خبری طبقه‌بندی شده و ساختاری برای روابط عمومی که بتواند فراخوان‌ها را به تمام کشورها بدهد. این ضرورت بدیهی، چیزی نیست که بایستی درباره آن به مباحثات طولانی مشغول شد.

۲- پیشنهادی که از طرف بسیاری از شرکت‌کنندگان ارائه شد سازماندهی یک دفتر هماهنگ‌کننده یا کمیته بوده است که وظیفه سازمان‌دهی برای پیش‌برد کارهای متفاوت را برعهده داشته باشد. قبلاً کمیته اجرایی [کنفرانس وجود داشته است] و یا در دراز مدت یک چنین تشکلاتی باید به وجود آید. برای دفتر یا کمیته برخی معتقد بودند که در دراز مدت باید برای آن برنامه‌ریزی کرد و به موضوع سبک‌کار آن پرداخته شود.

۳- روز جهانی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و یا هفته زندانیان سیاسی مطرح شد که با آن مخالفت شد و برخی گفتند که روزهای مبارزه وجود دارد. مسئله دیگر، که نقش مهمی دارد مسئله همبستگی و آزادی زندانیان سیاسی است و مسائل دیگر مثل مسئله مالی صحبتی نشد و مسئله لغو اعدام و به رسمیت شناختن پناهنده‌های جنگی.

Dialog

**Postamt 1 / Postlagernd
04109 Leipzig / Germany**

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

**Email: dialogt@web.de
Internet: http://www.dialogt.net**

^۱ پس از کنفرانس، روز ۱۸ مارس روز جهانی زندانی سیاسی تعیین شده است.